

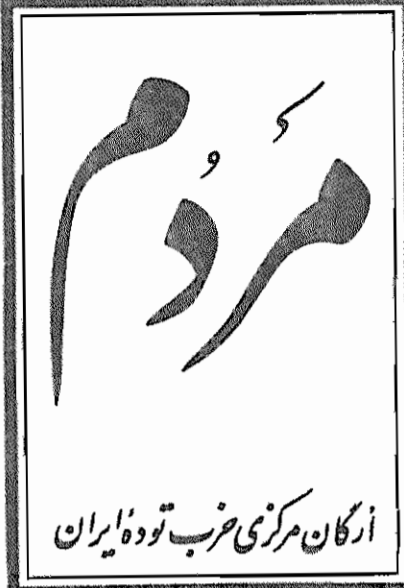
فقدان «وحدت کلمه» در شورای انقلاب موجب نگرانی است

در زمینه سیاست خارجی:

تحولات ناگهانی که در چند روزه اخیر در معنی وزارت خارجه، آنهم در مهمترین جنبه نبرد یعنی با امپریالیسم آمریکا رخ داده، و نیز بگویم که میان آقای بنی صدر و آقای قطب زاده، که هر دو از اعضای شورای انقلاب اند در گرفته و در جری اندامکلی یافته، باعث نگرانی جدی است. اولاً بدلیل اینکه این تحولات ناگهانی و این انتقادات متقابل علنی نشان میدهد که در شورای انقلاب «وحدت کلمه» وجود ندارد، ثانیاً بدلیل اینکه نشان میدهد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای اصول مشخص مدونی مبتنی نیست و در نتیجه هر کس که در مقام وزیر خارجه قرار بگیرد، طبق سلیقه و عقیده شخص خود عمل میکند.

امروزه در معنی وزارت خارجه، آنهم در مهمترین جنبه نبرد یعنی با امپریالیسم آمریکا رخ داده، و نیز بگویم که میان آقای بنی صدر و آقای قطب زاده، که هر دو از اعضای شورای انقلاب اند در گرفته و در جری اندامکلی یافته، باعث نگرانی جدی است. اولاً بدلیل اینکه این تحولات ناگهانی و این انتقادات متقابل علنی نشان میدهد که در شورای انقلاب «وحدت کلمه» وجود ندارد، ثانیاً بدلیل اینکه نشان میدهد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای اصول مشخص مدونی مبتنی نیست و در نتیجه هر کس که در مقام وزیر خارجه قرار بگیرد، طبق سلیقه و عقیده شخص خود عمل میکند.

استگیری درست در سیاست خارجی به تصمیمات مشخص ارگانهای اجرایی مربوط میشود، آشکار میگردد که این سیاست خارجی نه فقط بر تصمیمات مشخص استوار نیست که در شورای انقلاب بر اساس بررسی همه جانبه مسئله مطرح و اتخاذ شده باشد، بلکه اساساً مبنای و اصول مدونی نیز ندارد تا از نوسانات شدید، از چرخشهای مضمون معین باشد، در نتیجه فقدان آن انگه و این مبنای و اصول مدونی، شیوه های دیپلماتیک نیز برای دستیابی به هدفهای سیاسی در عمل دچار چنان تغییرات متناقضی میگردد، که تعجب آور است.



ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۰۸
شنبه ۱۳ آذر ۱۳۵۸ - کت شماره ۱۰ ریال

در صفحات بعد

هنوز هم مشی چریکی جدا از توده!

□ فرق است بین پیشاهنگ خلق با پیش برک. با تقلید نقش پیشمرگه، هرگز نمیتوان به پیشاهنگی بالنده ترین طبقه دست یافت.

سرطان سیار و عواقب عبرت انگیزش

□ محمدرضای مخلوع، در مکزیک مشغول اسب سواری بود که ناگهان سرطانش گرفت!

□ برای دانشجویان خارجی از آمریکا چه فکری شده است؟

بازوزه گرگان، همآوانشویم

□ سرمقاله روزنامه «اومانتیه»، ارگان حزب کمونیست فرانسه - صفحه ۲

انحراف از «خط امام» از جانب هر کس که باشد انحراف است

□ این انحراف اگر از جانب فردمستولی چون آقای چمران باشد، مسئولیت دارد

معارف اسلامی و فرهنگ ایرانی

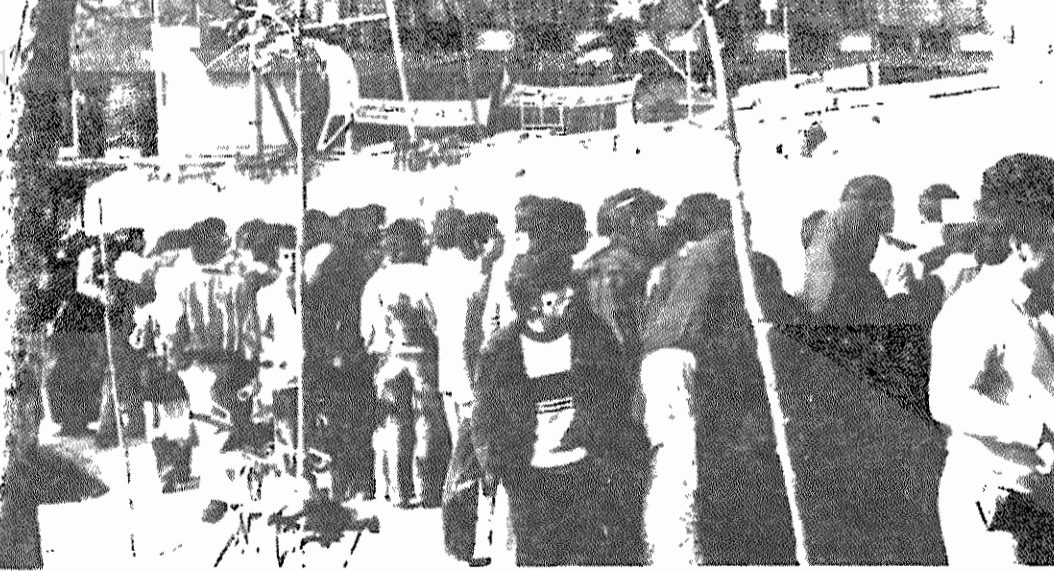
□ باید از تعبیر احساسی و یا تعصب آمیز تاریخ بر حذر بود و واقعیات را در حدود مسلم و بی خدشه آن بیان داشت

بایک تیر، بسنه نشان

□ تبلیغات ضد کمونیستی ضد انقلاب بسنه ثمر نخواهد رسید

اتحاد شوروی قاطعانه از انقلاب ایران پشتیبانی می کند

نمایشگاه دیواری از مبارزه خلقها علیه امپریالیسم



سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران پس از تسخیر جاسوسخانه آمریکا، برای نشان دادن جنایات امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، علیه خلقهای جهان و مبارزه خلقهای جهان علیه این اسارتگر و غارتگر جهانی، دست به ابتکار جالبی زده است: روی یکی از دیوارهای اطراف جاسوسخانه، اسناد جنایات امپریالیسم و گواهی مبارزه خلقها نصب شده و بدینصورت نمایشگاه جالبی بوجود آمده است که هرروزه با استقبال مردم ضد امپریالیست، روپروا است.

نمایشگاه یاد دکتر قیاری

۱۲ بهمن، سالگرد شهادت دکتر قیاری، رهبر و زحمتکش ایران است. بدین مناسبت قرار است نمایشگاهی یاد این دانشمند انقلابی شهید ترتیب داده شود. از همه کسانی که عکس یا اطلاعاتی درباره زندگی خصوصی و اجتماعی درباره فعالیت علمی و سیاسی درباره مبارزه و دستگیری و زندان و شهادت او دارند، خواهشمند است که عکسها و اطلاعات خود را در اختیار دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران قرار دهند. موجب سپاس فراوان خواهد بود.

عناصر مشکوک در برخی از کمیته هادر کارپخش نظریات حزب توده ایران اخلاص می کنند

□ پاکسازی کمیته ها به ضرورت حاد تبدیل شده است

که رفیق ما توضیح میدهد که این علامت تاکید و ندا است، و عملت پشتیبانی حزب توده ایران را آرام خینی شوال می کند. رفیق ما پاسخ میدهد که ما بخاطر مشی ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی از او پشتیبانی میکنیم. پاسدار دیگری با لحن خصمانه و کینه جوینه ای می پرسد که: «این اعلامیه ها را از کجا آورده اید» و سازمان حزب توده ایران در شهر ری میگوید: «رفیق ما جواب میدهد که: «حزب ما، علنی و قانونی است و آزادانه فعالیت میکند. این حزب در سراسر کشور سازمان علنی خود را بوجود آورده و از جمله در شهری نیز تشکیلات حزبی دارد.» آنها پس از مشورت با یکدیگر رفتاری ما را رها میکنند. ولی رفتاری ما هنوز صد قدم از کمیته دور نشده بودند که به افراد مشکوکی، که از سه ماشین (یک پیکان سفید، یک پیکان سبز، یک فولکس استیشن طوسی رنگ) پیاده شدند، برساختند. افراد سهاجم، که یکی از آنها یک سنسول یوزی بدست داشت و دیگران نیز با چوب و چاق و تسمه های تیریزی مسلح بودند، به رفتاری ما حمل

شهادت

یک رفیق توده ای



رفیق علی پرند ۴۳ نماینده شورای کارخانه شیر پاستوریزه تهران، روز ۶ آذر با گلوله ضد انقلاب شهادت رسید و دیروز مراسم هفته او برگزار شد. رفیق پرند ۴۳ در سال ۱۳۱۳ در شهر قزوین از خانواده ای کارگری بدنیا آمد و هنگامی که تازه بسنه هفده سالگی رسیده بود، بسازمان جوانان حزب توده ایران پیوست. رفیق شهید در مدرسه و کارگاه به تبلیغ پیگیری مشی اصولی حزب توده ایران پرداخت و با ابرار شایستگی به عضویت کمیته شهرستان سازمان جوانان انتخاب گردید. مدت ها بحال اختفاء در رامپیشبرد آرمان خود کوشید و سرانجام توانست در کارخانه شیر پاستوریزه بکارگیری مشغول شود. رفیق شهید گرفت و به تهران آمد. در تهران بقیه در صفحه ۲

سرمقاله روزنامه «اومانیت» ارگان مرکزی حزب کمونیست فرانسه مورخ ۱۳ نوامبر ۱۹۷۹ (۲۲ آبان ماه ۱۳۵۸)

بازوزه گرگان هم او نشویم

بلی، بسدی است که بهر دانه حوادث ایران، روزنامه «اومانیت» برداشتی گملافتایر با برداشت سایر وسایل ارتباطی پارسی، اعم از مطبوعات و رادیو و تلویزیون داد. در بسیاری از موارد در گذشته نیز چنین بوده است - فی‌المتل در پاره چکهای مستمراتی - ولی هیچگاه مانده ایم که سپس از برداشت خود پشیمان شویم.

در فرمشی، کمونیستهای فرانسه بخاطر دفاع از آزادیها نبرد میکنند. در مورد ایران، در زمانی که این کشور در بند اسارت بود، این ما نبودیم که سکوت اختیار کرده بودیم. آنها که با سکوت خود، اعمال شکنجه و رنج را بر این کشور روا داشته اند، امروز که مظهر آنه میخواهند خود را حامی مظلومین قلمداد کنند، دیگر حقیقت را ننگ ندارند.

آری، مردم ایران چگونه میتوانند فراموش کنند، اختناق خونینی که دهها سال قربانی آن بوده اند، بر پایه کودتای سوره که پست سرورهای مخفی آمریکائی ساخته و پرداخته شده و پدیده آن دیکتاتوری شاه مستقر گردیده است؟ وقتیکه میبیند ایالات متحده، مستبد جنایتکار و همدستانش را از مصاحبه در کشوری که مدتها به یوغ خود کشته است، رها میکند، این مردم چگونه خود را دستخوش توهمین و تحقیر مشاهده نمایند؟

پاره ای آمریکائیان روشنفکر و شیخ این روزها میکویند «حتی اگر تمام تداپیری را که در تهران آغاز میشود، مورد حمایت قرارندیم، باز هم باید اقرار کنیم که خواست استرداد شاه، خواستی قانونی و بحق است.»

این قبیل آمریکائیان بر حقند، زیرا حق پناهندگی شامل افرادی مانند شاه نمیشود، او را ابتدا بخاطر نظرات سیاسیاش مواخذه نمیکند، بلکه بخاطر دهها هزار جنایتی است که مرتکب شده است. از روی جهامی و پناهی نمیتوان او را از سر دادن معاف کرد؛ بچه دلیل و دانشکن از استرداد او سر باز مینمایند؛ بدیهی است بدلیل اینکه محاکمه شاه، بمنزله محاکمه امپریالیسم آمریکا خواهد بود. که شاه دیکتاتور سورداین امپریالیسم، حکومت مطلقه خود را استولی ساخت، کشور و قوت آن را به خصوص سرمایه نفتی را - در دست در اختیار آمریکا گذاشت، سیاست رادر خدمت استراتژی یتناگون گامداد، زندانها و شکنجهگاههایش راه که طی شرب چهل سال علامی کن آزاد رقتل بدست عوامل حکومت بود، انباشته نمود ارتش در حاطه مستشاران آمریکائی بود. گشتاپوی شاه - ساواک - گوشه پرمان سازمان سیداشت، چنین است سیاست حقیقی که ایالات متحده هنوز هم سعی بی نهایت در اختفای آن دارد. ولی سود حیاتی انقلاب، افشای آن است. افشای همین حقیقت را ایجاد میکند، زیرا این تضمینی است برای پایان دادن کامل بیک گذشته اسفناک، تضمینی است برای آنکه ایران فقط بیک استقلال ظاهری قناعت ننماید، بلکه قصد دارد بر مبنای مستحکم، دهائی واقعی خود را استوار نماید.

اینها آرمانهای عادلانه و برحقند، اینها آرمان تمامیتی است که طی ربع قرن اخیر، آزادی خود را به پیکر آورده اند. چه کسی میتواند تردید کند که همین آرمانها نیروی حیاتی جنبشی است که تقریباً تمامی ایرانیان را در بر گرفته است. فشارهای پلیسی که بدستور پرنزیدت کاری علیه حدود پنجاه هزار دانشجو ایرانی - متهم ایالات متحده، اعمال میگردد - فشارهایی که در نهایت وضوح بی هیچ دلیلی اعمال میگردد - آیا خود دلیل بر این نیست که امپریالیسم آمریکا احساس میکند که با مسئله ای روبرو است و با تمامی یک ملت درگیر شده است؟

باید چنین نتیجه گیری، فارغ از کیفیت هر حادثه ای که در سفارت آمریکا در تهران می گذرد، بر همه کارگران و تمام مردم است که علیه امپریالیسم، از ایرانیان جانبداری نمایند.

اینک بزرگ امپریالیسم، اردوی وسیعی علیه ایران زمین پاره یاره کرده اند. از فرانسه، تمام مفسرین، از آنها که بهر نتیجه ترین مطبوعات تلقی دارند تا بر سده به چیده ایمانند «اومانیت»، که از روسیالیسم دم مبرد، ولی کلتی را سبب آنکه گفته است قصد توسل بزور را نداند، «با احتیاط» تلقی میکنند، همه در این اردوی مخالف شرکت دارند.

نتیجتاً، ارکستری که اینچنین ترتیب یافته، غوغائی است برای نوحه تفتی زانندار، که ایالات متحده همیشه در فکری اجرای آنست. مانه فقط در چنین ارکستری شرکت ننواهم کرد، بلکه به مقاصد آن، که برای امنیت بین المللی بسیار مخاطره آمیز است، هشدار میدهم. وانگهی، البته باریختن روشن روی آتش - بگونه ای که در راشکنگن «میدانه» بدان عمل میکنند به راه حل رضایت بخشی در مورد وضع پرسنل سفارت آمریکا در تهران نمیتوان دست یافت.

شهادت یک رفیق توده ای...

بقیه از صفحه ۱ در محیط کارخانه به دفاع اصولی از مناقع طبقه کارگر پرداخت. و تا او پسین دم حیات خود از فعالیت انقلابی یک لحظه غافل نشد. رفیق شهید پرتلگام با وجود همه مشکلات مادی و اجتماعی، در کنار کار روزانه، بشصیل بر باختر و در آبان ماه جاری - ده روز پیش از مرگ خود - دانشنامه مهندسی خنو را از دانشگاه تبریز دریافت داشت. روز سه شنبه ۶ آذر، شند انقلابیونی که در سده سرفت پانک

اتحاد شوروی قاطعانه از انقلاب ایران حمایت میکند

این لطمه، این کشورها را به مداخله مسلحانه تهدید میکند. این روزنامه همچنین نوشته است که تشکیل «سپاهائو کنش سریع» و تشدید حضور نظامی آمریکا در غرب اقیانوس هند کوشی است برای تحمیل اراده آمریکا به کشورهای خاورمیانه و نزدیک. «ستاره سرخ» اضافه می کند که تحکیم مواضع استراتژیک آمریکا در خاور میانه و حوض خلیج فارس، تجدید امکانات پیشین برای تحمیل اراده آمریکا به کشورهای ملت های روبرو شد و غارت ذخایر طبیعی این ملت ها، هدف نهایی مداخله نیروهای مسلح آمریکا در منطقه خلیج فارس و دیگر نقاط جهان است.

«تاس» خبرگزاری شوروی، تهدیدات نظامی آمریکا را محکوم میکند

خبرگزاری «تاس» اعلام کرد که آمریکا علیه ایران از دیپلماسی تهدید بچنگ استفاده میکند. در اعلامیه تاس گفته میشود که تهدیدات آمریکا در مورد اقدام نظامی علیه ایران - کشوریکه حاکم بر سر نوشت خود است - غیر قابل توجه است. خبرگزاری تاس در گزارشی از تهران اعلام کرد که تمرکز ناوگان جنگی آمریکا در مجاور آب های ساحلی ایران بمنزله فشار و تهدید آشکار و نشانه دیپلماسی جنگ است. تاس یاد آور میشود، که امریکایی قدرت بزرگ و عضو شورای امنیت است و بموجب منشور سازمان ملل متحد در حفظ صلح و امنیت بین المللی مسئولیت ویژه ای بردوش دارد.

خالی فرادان وابسته به طاغوت را تبدیل به دانشگاه و مدارس عالی کرد. ثالثاً باید استادان، دانشیاران و استادیارانی را که در رژیم پیشین به علت عقاید آزادیخواهانه و استقلال طلبانه خود یا بازنشسته شده و یا خود از کارکناره گرفته اند، به کار دعوت نمود و از دانستیهای آنان برای آموزش در دانشگاهها و مؤسسات آموزشی نو - بنیاد بهره برد. بدین ترتیب نه تنها برای دانشجویان اخراجی امکان ادامه تحصیل در داخل فراهم خواهد آمد، بلکه گام نخستین برای برگرداندن کلیه دانشجویانی که برای تحصیل به خارج از کشور رفته اند، برداشته خواهد شد.

۲- در حدود ۱۵۰ هزار دانشجو و دانش آموز ایرانی در خارج از کشور تحصیل میکنند. اگر این عده فقط به ارز دولتی اکتفا کنند - که لااقل در مورد عده ای از آنان بسیار بعید است - سالانه در حدود ۲ میلیارد دلار در توت کشور بخارج فرستاده میشود. آیا نمیشود این مبلغ حیثت را در داخل کشور سرمایه گذاری کرد، شبکه دانشگاهها و مدارس عالی را گسترش داد، کتابخانه و آزمایشگاه تدارک دید و کادر آموزشی تربیت کرد؟

آیا نباید یکبار برای همیشه به مسئله اعزام دانشجو بخارج پایان داد و فقط در موارد ضرورت و برای رشته هایی که در داخل کشور تحصیل در آن دشوار است، دانشجو به خارج فرستاد؟ آیا نباید یکبار برای همیشه فشار را از دست امپریالیسم گرفت تا بتواند هر حکمت را در داخل کشور خود را در خط می بیند، جوانان ما را آماج فشار و تحقیر و توهمین نراند و بیبانه های پوچ مانع از اقامت و ادامه تحصیل آنان شود. تجربه روزهای قبل از انقلاب و تجربه دوران اخیر که دانشجویان ایرانی مقیم خارج از کشور با مشکل گوناگون تحت فشار قرار گرفتند، کافی نیست تا دولت انقلاب راهبه اتخاذ تدابیر انقلابی در مقابله با مسئله های امپریالیسم وارداد!

عناصر مشکوک در برخی کمیته ها در کار بخش نظریات حزب توده ایران اخلال می کنند...

بقیه از صفحه ۱ و وقتی رفیق ما پاسخ میدهد که یافته در فعالیت نیروهای انقلابی اینها پیشنهادهای حزب توده ایران راستین، اخلال می کند و لازمست برای بهبود قانون اساسی است، که مقامات مسئول هر چه سریعتر در حای آقا میکویند که این چیزها با پاکسازی کمیته ها از عناصر - سرش نمیشود!

سالم و مشکوک، جلوی فعالیت های رفیق ما میکویند که در قانون شند انقلابی را سد کنند و کمیته - اساسی آزادی بیان و عقیده - تفصیل های انقلاب را از آلودگی عناصر - شده است. ولی «حاج آقا» جواب میدهد که ما فقط یک حزب داریم. شایان توجه است که یکی از و آن حزب الله است و دیگری رفقای ما بنام مجید عمرانی در این اجزاب حق فعالیت ندارند. رفیق ما توطئه شرم آور از ناحیه پا و سر و پاسخ میدهد که در قانون اساسی بنشی بسدت مشروب گردیده است. آزادی اجزاب هم تضمین شده است. رفقای ما پس از این واقعه، در ولی رئیس کمیته بجای جواب شروع مورد این عناصر به تحقیق پرداختند و به فحاشی میکیند. و به این نتیجه رسیدند که نام سه تن از ضاربین، حسن رحیمی، نادور قیائی و دائی وزیان بوده است. ما را رها میکنند. او که قیلا در ما بدینوسیله به مقامات مسئول مورد فعالیت عناصر مشکوک در این کمیته های انقلاب نسبت به امامت کمیته آگاه بود، طبق قراری که فعالیت های این سه تن، که کمیته با یکی از ماورین کمیته برای شهربانی را آلوده ساخته و در امر برگرداندن او گذاشته بود، از او اتحاد نیروهای ضد امپریالیست میخواهد که او را به میدان شوش اخلال می کنند، هشدار میدهم و برساند، ولی او منتع می کند. خواستار رسیدگی و مجازات آنها رفیق ما از کمیته بیرون می آید، ولی هنوز چند قدم دور نشده، کسی راه او را سد می کند. رفیق به

یکی دیگر از رفقای ما نیز عینا رئیس کمیته، که در جلوی کمیته در چنین توطئه ای درگیر شده است، ایستاده بود، رجوع می کند، ولی اینبار عناصر مشکوک در کمیته میدان قبل از اینکه سخنی بگوید، او خراسان سر بیرون آوردند و رفیق پیشدمتی کرده و میکویند: کسی ما را که در میدان شوش اعلامیه مزاحم شما شده ما را ز کمیته حزب توده ایران در مورد قانون شناسیم، که معلوم میشود نقشه اساسی را پخش میکرد، به این طرح بریزی شده با حمایت رئیس کمیته بردند. رئیس کمیته، که از کمیته بوده است. را «حاج آقا» صدا میکردند میکویند رفیق ما را با دیگر مبارزانی که در این اعلامیه اجازه پخش ندارند می کنند و اینبار به کمیته واقع در

برای دانشجویان اخراجی از آمریکا چه فکری شده است؟

اداره مهاجرت آمریکا دست باخراج دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا زده است. بقرار اطلاع خبرگزاری اریها، تاکنون نام ۸۰ نفر از مبارزترین دانشجویان در لیست اخراجیها جای گرفته است. این عده دانشجویانی هستند که در ظاهرات و نمایشات ضدها مخلوع و امپریالیسم آمریکائیال بوده اند. امپریالیسم آمریکا به تیره جاسوسی و تنفیص عقاید ذاتی آنست، مأموران خود را ایالت با ایالت، شهر بشهر و دانشگاه به دانشگاه بسراغ دانشجویان ایرانی فرستاده، تا با آنان با اصطلاح «مباحثه» ترتیب دهند و عقیده شان را درباره استر دواشمخلوع و گروگان گیری جویا شوند، دانشجویانی که تاکنون موافقت خود را با این در مسئله اعلام کرده اند، در لیست اخراجیها قرار گرفته اند.

چنانکه در شماره های پیشین «مروم» هم یاد آور شده ایم، ما توجه دولت را به در اقدام اساسی در رابطه با مسئله اخراج دانشجویان ایرانی متمم آمریکا جلب میکنیم. اولاً باید برای دانشجویان اخراجی، در داخل کشور محل تحصیل تأمین نمود، برای این منظور، در نخستین گام باید دانشگاهها و مدارس عالی کشور را با ظرفیت کامل آن بسکارنداخت. ظرفیت کنونی مراکز آموزشی کشور ۸۰ تا ۱۰۰ هزار دانشجو است. میزان پذیرش نیز باید در همین حدود باشد. ثالثاً میتوان ساختنهای

شرکت وسیع مردم در دومین روز همه پرسی قانون اساسی

دیروز، در دومین روز رای گیری نیز مایهونها ایرانی پای صندوق های رای رفتند و آراء خود را به صندوقها ریختند.

بر اساس گزارش خبرنگاران «مروم»، دیروز هم رای گیری برای قانون اساسی ایران، که از رویزکنش آغاز شده بود، ادامه یافت و مردمی کم در روز اول موفق به دادن رای نشده بودند، به حوزنه های رای گیری رفتند و آراء مشت خود را به صندوقها ریختند. خبرنگاران «مروم» گزارش داده اند، در روز اول رای گیری، مراجه کنندگان به حوزنه ها بیشتر کارگران و کارمندان بودند، اما دیروز بیشتر خانهای خانه دار، بازنشستگان و کسانی که برای دادن رای نیاز به استفاده از تعطیلی نداشتند، به حوزنه ها میرفتند و رای می دادند.

شرکت وسیع مردم در رای گیری دیروز نیز نشان داد که قانون اساسی با اکثریت شکستند ای به تصویب می رسد و مابین ترتیب ایران با تصویب این قانون، بعد از ۲۵۰ سال نظام تنگین سلطنت را رسماً به گور می سپارد و به جرگه کشورهای جمهوری جهان می پیوندد. سرپرست وزارت کشور اعلام کرده است که نتایج همه پرسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تا اواخر هفته جاری اعلام خواهد شد.

رفقای عزیز کمیته مرکزی حزب توده ایران با ورود رفقای توده ای و دهشتین سالگرد تأسیس حزب توده ایران را به یروفتاریای رزمنده، رفقای کمیته مرکزی و تمام اعضاء و هواداران حزب، سیمانه تبریک

فقدان وحدت کلام در شورای انقلاب در زمینه سیاست خارجی...

بقیه از صفحه ۱

است. در تمام این مدت، سخنگویا، مسئول وزارت خارجه، یکی پس از دیگری وعده داده اند که متر قراردادهای ناپرابری را که امپریالیسم، سرگردگی امپریالیه آمریکا، بوسیله رژیم شاه مخلوع بر ایران تحمیل کرده، انتشاء خواهند داد، ولی هنوز از افتاء این قراردادهای خیری نیست. هنوز بطور قطعی معلوم نیست که ما مستشار نظامی آمریکائی داریم یا نه و اگر داریم، بچه علت و بوجه منظور باید وجود این مستشاران داخل کنیم یا نه؟ هنوز مشخص و اعلام نشده است که ملاک تشخیص کشورهای که در این جهان میتوانند دوست انقلاب ایران باشند، کدام است؟ هنوز حتی معلوم نیست که ناسزا گفتن و تهاجم زدن به اتحاد شوروی، که همه جا به از انقلاب ایران پشتیبانی کرده و میکند ناشی از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است و یا ناشی از تهاولت شخصی اینس و آن؟ در زمانی که امام به ساحت و بارها آماده اند که تمام تلاش خود را علیه آمریکا بکار ببریم - سواقبت در این زمینه لازم است! آست که از همه امکانات مساعد در درون کشور، برای تقویت جبهه متحد ضد امپریالیسم و از همه امکانات مساعد در صحنه جهانی برای تضعیف امپریالیسم آمریکا، استفاده کنیم.

افراد مشغولی نظریاتی را بیان میدارند که نتنها میتوان امپریالیسم آمریکا را به شدت عمل تا حد تجاوزه علیه ایران تشویق کرد.

در حال سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای اصول مدون و مشخصی باید استوار کرد، تا از این وضع اسفناک نجات یابد. ما مدتها پیش ضرورت این امر مهم را ملاحظاً مطرح ساخته ایم و نیز طرحی بعنوان مبنای بررسی و تدوین مبنای و اصول سیاست خارجی پیشنهاد کرده ایم. به سهیم خود، در کنار دیگر احزاب و سازمانهای که معتقد به سدهستی «خط امام» اند، یعنی جبهه اصلی نبرد را جبهه نبرد امپریالیسم آمریکا و همدستانش، بخاطر تأمین استقلال واقعی و کامل ایران میدانند، در تبادل نظری که لازمست تدوین مبنای و اصول صحیحی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است، بقدر قوه و امکان خود شرکت کنیم. باشد که این تذکرات مامورد توجه جدی قرار گیرد.

پارک بیسیم می برند، در آنجا بار دیگر حوادث تکرار میشود. می خواهند اعلامیه های همراه رفیق ما را همانجا آتش بزیند، که او نمی گذارد. سپس یکی از پاسداران مقداری از اعلامیه ها را بر میدارد و پاره می کند. رئیس کمیته سپس به او میکویند که می تواند برود، ولی در بیرون عده ای عناصر تحریک شده که انتظار او را میکنند اعلامیه های او را میکیند و آتش میزند و حتی یکنفر با چاقو او را زخمی می کند، که سرانجام با حمایت یک پاسدار از محل دور میشود. این واقعه نیز که بوضوح کار - شکنی و خرابکاری برخی عناصر ناسالم را در کمیته ها نشان میدهد، تأکید دیگری بر ضرورت پاکسازی هر چه فوری تر کمیته ها است.



تمام خلق، باید از نظر نظام متحد شود

هنوز هم مسمی چریکی جدا از توده!

فروق است بین پیشاهنگ خلق با پیش مرگ. با تقلید نقش پیشمرگ، هرگز نمیتوان به پیشاهنگی باندیدترین طبقه دست یافت.

شی مبارزانی دیروز فداییان بامشی امروز آنها یک وجه مشترک اساسی دارد: بی باوری به توده‌ها و مبارزه کردن جدا از آنها!

از نظر شکل متمایز و متفاوت است، اما محتوی و اسلوب مبارزاتی آنها تقریباً دست نخورده باقی مانده است. فداییان اینک در بررسی انتقادی از گذشته خود، مسمی مسلحانه جدا از توده را به مثابه انحراف از اصول مارکسیسم-لنینیسم با تمجیح تفسیر میکنند. تا همین جا آنها کام نوید بخشی برداشته‌اند، اما این کام که میتواند به سرانجام مثبتی برسد، بخاطر توقف در شکل وسیع و بی‌انگاری به آن جوهر و سرشت ایدئولوژیک، که جدایی از توده لمره طبیعی آن بود، متزلزل و سرگردان مانده است. هم دیروز هم امروز یک جای کار در اسلوب فداییان لنگ است. دیروز آنها چنان غرق عمل بودند و چنان به تئوری تمسک می‌جستند، که هرگونه بحث و کنجکاوی سیاسی و کثرت‌گرایان را وقت تلف کردن و شانه خالی کردن از زیر بار مبارزه واقعی میخواندند و تحقیق میکردند: «مگر مبارزه بدون تفنگ و سیانور و خانه امن هم مبارزه است؟»

هر مبارزی، در آن شرایط بکودنسی جنبش توده‌ای، تفنگ بدست نمی‌گرفت. «سیاسی کار» خوانند میشد و سیاسی کار، در فرهنگ چریکی، ترسو، علاف، غیر انقلابی، تفسیر کار، رهگذار تصادفی معنی میداد. اما عمل مسلحانه، که چنان عده و مقصد و لاجرم بدون چون و چرای از طرف برخی جوانان انقلابی به ستوه آمده اند بکثرت توری تاسد و افشار گسیخته، پذیرفته شده بود، خود از درون تئوری بیرون پریده و بدست تئوری خاصی شکل گرفته بود. این تئوری خاص مسطور ضمن زنده و تمجیم تجربی توده و طبقه در شرایط خاص ایران نبود، از تجربه و هیراتیک رولتاریسم جهان، که در تئوریهای عام مارکسیستی متسلب شده، نشأت نگرفته بود، بلکه دست چین و لاقطی از نظرات «گوارا» و شبه تئوریهای ماو، مارکسیکلا و رژیسم دیر بود، که بتوان نسخه خلاق و شفافش دردهای جامعه ما توصیف می‌شد. بنیادگذاران و در زمینهای مسمی چریکی خود تصریح کرده‌اند که ما «انقلاب در انقلاب» نریس دیرس را خوانندیم و رد کردیم، اما پادروم آنرا خواندیم و پذیرفتیم. و این پذیرش کتابی احکام، ستون و پایه کار آنها شد.

آنها که با اعتقاد باسالت عمل به میدان نبرد می‌تنه‌تن و نا برابری قدم گذاشتند، خود توجه نداشتند که تابع تئوری هستند، منتهی تئوری صادراتی خاصی که از عمل روزانه توارخ و زندگی مردم و دربر آس آنها طبقه کارگر ایران و جهان استخراج نشده است. و هر واضح است که ادامه این راه، بیگانگی و جدایی از مردم را باید عینق ترمیم کرد. قهرمانها، حتی با مرگ خود نتوانستند توده‌ها را برانگیزند، هیچ کسند و حتی شراره‌های پراکنده کینه آنها را متمرکز و یکجا، در خرمنی که بسوی در کان رژیم زبانه نمیکشید، بریزند.

«کسی را که هیچ چیز، حتی خود سیریهای رژیم استبدادی، نتواند تهییج کند، مگر روشن نیست که او بیگانه تن به تن میان دولت و گرومی تردیست نیز با خون سردی کسی که انگشت بینی کرده است، خواهد تکریمت؟» (لنین، چه باید کرد؟)

مشی چریکی چند رهنمود بنیادی داشت، که فداییان آنها را «اصول مطلق» می‌نامیدند و یکی از این اصول مطلق چنین بود:

بی اعتمادی مطلق به مردم!

رساله ۵۰، در زندان، فداییان، که برخی از آنها امروز در رهبری این سازمان هستند، در توجیه ملل شکت و انهدام «تیم کوه» در جریان عملیات «سیاهکل»، زیر بار گذاشتن اصل بقول خودشان «بی اعتمادی مطلق به مردم» را حاصل اصلی می‌شمرند و در عین می‌خوانند که «تیم کوه» نپاییدم خود را ترک میکرد و وارد می‌شد. (میدانیم که در دستگیری این تیم زنده چریکی، کروی از روستائیان نا آگاه نقش اصلی را داشتند.) آنها شکت سیاهکل را صرفاً مولود یک خط تاکتیکی می‌شمرند و به این «اصل مطلق» واقعی پاور ندانند، که هرگونه مبارزه جدا از توده، در بیازود همگام به شکت است. و خلفه شکت سیاهکل در واقع در امتداد تئوری فداییان، که نقش «پیشاهنگ» سیاسی طبقه را با نقش «پیشمرگ» عوضی گرفته بودند، بسته شده بود.

امروز، پس از گذشت بیش از هفت سال از

برخی از هواداران فداییان، غیبت سازمان خود را در دو هفته اول مبارزات شکوهمند خلق با امپریالیسم، یک اشتباه زودگذر تاکتیکی میدانند که بقول خودشان بسرعت تصحیح شد. اما واقعیت، در نهایت تأسف، حکمی جز این میدهد...

توده‌ها بطور غالب در انتخابات برای «قبول» مجلس خبرگان شرکت میکنند و از دیدگاه آنان، شرکت در این انتخابات برای «دره» آن یعنی کاری که فداییان با پر خاشجویا ته ترین شیوه کردند یعنی بد حرکت خودشان است و بیدارنگ پس این رد کنندگان مخالف خویش، از در مخالفت بر میآیند.

فداییان خود این معنی را با صراحت بیشتر تأکید کرده‌اند: «آنها (توده‌ها) پیش از آنکه علل امتناع (ما) را، در رابطه با حاکمیت سیاسی موجود، بررسی کنند، به اعتراض علیه تحریم حرکت خود میپردازند.»

«چرا در انتخابات...» (ص ۲۱) تمجب آور است که آدمی «آن موشگیری عملی که وضعیت توده‌ها را ندادیده میگرد» و «چپ‌روی و ماجراجویی»، «بی محتوی» و «مشی بدیده از مردم» بخواند و خود موشی بگیرد که اقرار داشته باشد خشم و اعتراض و دشمنی توده را بر میانگیزد. ریشه این تناقض دردناک و تلوتلو خوردن بی اختیار کجاست؟

فداییان متصرفانند: «توده‌های مردم که مشاهده کرده‌اند، با رهبری چه نیروی شاه را در هم شکسته‌اند و به امپریالیسم شریبات کاری زده‌اند، هنوز بطور غالب، همان رهبری و همان جبهه را تأیید میکنند» (از بر نامه‌های آن استقبال مینمایند، از ادعوت‌های حیاتی آن پشتیبانی میکنند و با درخواست بسیج آن، بسیج میشوند.» (همان منبع، ص ۱۱۱)

این اعتراف لفظی مانع از آن نیست که فداییان، پروتاریا را برای ساقط کردن حکومتی که میدادند از جتین حمایت وسیع و فعال توده‌های برخوردار است، تشویق کنند و حتی پندارهایی را به آنها بکشند که یکی از مسئولان فدائی اعلام کند:

«طبقه کارگر جز با سرتکونی قهر آمیز رژیم حاکم بوسیله جبهه‌ای از نیروهای عمیقاً انقلابی و ضد امپریالیستی (فداییان تنها خود را نیروی عمیقاً انقلابی میدانند) قادر به انجام مرحله فعلی انقلاب نیست.» (تعلیلی از اوضاع کنونی ایران، از انتشارات دانشجویان پیشگام قزوین، ص ۶۲)

بن است «توجه به موقعیت توده‌ها» در قلموس فداییان، پهلوان‌های میدان نبردهای تن به تن، هنوز خواست و اراده خود را برای درهم شکستن حکومتی که بقول خودشان «توده‌ها حاضرند تحت رهبری آن بچکنند» و دشمن او را دشمن خود میدانند، کافی فرض میکنند. در چنین اوضاع و احوالی «سرتکونی قهر آمیز رژیم» به معنی اعلان جنگ به وسیع ترین توده‌هایی که سهام آماده و مشتاق مبارزه در این رژیم نیست، اگر این روش مبارزه جدا از مردم و درست تر بگوئیم - مبارزه با مردم نیست، پس چیست؟

فداییان تصریح میکنند: «... (توده‌ها) میخوانند تا اعتراضات پایان گیرند و آرایش بر تراز شود. آنها گمان میکنند که این اعتراضات مانع میشود تا دولت هر چه زودتر بخواستهای آنها رسیدگی کند.» (چرا در انتخابات...، ص ۱۱۱)

و آنوقت خودشان بنام «خلق» با انواع مختلف ددرس، درگیری و مسأله ایجاد میکنند و گفته خود را فراموش میکنند که خلق مخالف این برخورد و تشنج فرساینده است و دشمنی با حاکمیت سیاسی، دوستی توده‌ها را تأمین نمیکند. (همان منبع، ص ۲۰) آنها علیرغم توده در جهت ستیز علنی با خواست او، بر فراندوم جمهوری اسلامی که باید بساط شاهنشاهی گرم خورده و متصرفان پدید و اصل کند، می‌تازند، شاق از اینکه هیچ انقلابی برای قانونیت خود فراندوم نمیکند. قانونی بودن رژیم که از انقلاب بر میآید، در قانونی بودن خود انقلاب است. اما اعتقاد و اعتراض فداییان باین فراندوم، تنها خصومت توده‌های عظیمی را، که اکثریت نزدیک با اتفاق خلق را تشکیل میدهند، بر میانگیزد و چنانکه دیدیم برانگیخت و از آن پس توده‌ها در کوچه و بازار، جدایی و خشمشان را از فداییان، در این شمار ساده و مشرکونه فریاد میکنند، «هر کی که رای ندادی - حق نظر نده!»

تکنسین‌ها و زمین‌شناسان اداره زمین‌شناسی صنعت نفت اهواز: شرکت ملی حفاری را تأسیس و از بیکاری زحمت کشان انقلابی فنگر جلوگیری کنید

این تلگرام به دفتر مردم رسیده است: «بنام خدا، رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، ماتکنسین‌ها و زمین‌شناسان اداره زمین‌شناسی صنعت نفت اهواز، که سالها بهترین دوران زندگی خود را در اینها و در سایر جاهای نفت ناحیه جنوب گذرانده‌اند و به تأیید استاد و مداریک در صف اول اعتصاب بزرگ فنگران بوده‌اند، فداکاریها و زندگانی پر مشقت و دوران زرفزند کارکنان شرکتی حفاری و شرکتی حفاری سروس دهنده را از نزدیک مشاهده کردیم، استمدا شدید زمان طاقت با وجود کار تو افرسا، پس انداز را برای روز میادای برای اکثر این زحمتکشان امکان ناپذیر ساخته است. اینها که بعد از انقلاب چندین چاه را بدون کمک خارجی به نفت رسانیده‌اند و دوران سازندگی و توسعه در غیاب خارجیها به تخصص و مهارت آنها احتیاج شدید خواهد بود. هم اکنون با خطر بیکاری مواجه و تشکیل شرکت ملی حفاری و ادامه کار و خدمت را خواستار میباشند.»

متأسفانه بر خورد مسئولین امر در این مورد غیر انقلابی بوده و وجهه گیری آنها آگاهانه یا نا آگاهانه آب در آسیاب ضد انقلاب ریخته و بطولت ناراحتی تراشی وسعت میدهند. با ایمان به اصلی بودن مبارزه با شیطان بزرگ، امپریالیسم امریکا، از پسد و رهبر عزیزمان خواستاریم در جهت بر آوردن فوری خواستهای بر حق کارکنان شرکتی حفاری و شرکتی حفاری سروس دهنده امر به اقدام عاجل فرمایند. بدینوسیله آمادگی خود را برای هر نوع همکاری در تشکیل شرکت ملی حفاری اعلام میداریم.

از طرف تکنسین‌ها و زمین‌شناسان اداره زمین‌شناسی صنعت نفت اهواز، علیرضا حمیده‌خو

کالی آمریکائی نخریم!

فرد فرد ما مصرف کالاهای آمریکائی را بر خود تحریم کنیم، تولید داخلی خود را از آن بدهیم و کالی امریکا را بر سرش بکوبیم.

با قطع ریشه تسلط امپریالیسم بر سرکردگی امپریالیسم امریکا از مهن ما، سرانجام دوران محرومیت هم پایان خواهد یافت. با تأمین استقلال و آزادی کامل ایران، به رفاه و عدالت اجتماعی نیز خواهیم رسید.

خود را برای یک دوران محرومیت آماده کنید و جامعه انقلابی خویش را با روح فداقت، فداکاری و با یامردی در برابر امپریالیسم جهان نخرید. امریکایش از پیش ما نوس سازیم.

«مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران نشانی: خنیا بان ۱۶ آذر شماره ۶۸ تلفن: ۹۳۵۷۲۸ و ۹۳۳۳۴۵۹ چاپ: کویان

تاراضیان لیبرال و پادوهای ما توئیس و خلاصه تمام آنها که از سیلان تمیق انقلاب ناخرسندند، هر یک با دستاوین و مستمسک خود به آنها پیوستند؛ آخر این هم راهان، در شمارها و تاکتیکیهای فدائیان، چه چیز جاذب و مشتری می‌یافتند که در دنباله صف آنها در صف میشدند و شماره‌های آنها را تکرار میکردند؟

لنین میگوید، بگو ببینم دوست کیست، تا بگویم تو کیستی؟ بگو ببینم متفق سیاسی تو کیست و کی به تروی می‌دهی، تا بگویم سیمای سیاسی تو چیست؟

با فدائیان، در پرتو این رهنمود لنین، هیچ ضرورتی برای تمیز آن پندارها و راه‌روشی که به ازای حذف توده‌ها، چنین دوستان ناخلفی را در دست آنها گذاشته است، احساس نمیکند؟

فدائیان وقتی می‌گویند، در این زمان توده کسانی را که از شرکت در انتخابات سرباز زنده، عملاً خارج از صف خود می‌داند و به آنان به گونه نیروی جدا از خود و بی ارتباط با مسائل خود میگرد (چرا در انتخابات...، ص ۲۲) به معنای ظریفی اشاره کرده‌اند.

آنها، چه بخوانند و چه نخوانند، پذیرفته‌اند که در این شرایط توده‌ها مخالفان و معاندان رژیم کنونی را دشمنان خود می‌شمارند و به آنان به گونه نیروی جدا از خود بی ارتباط به سایرین خود میگردند. بر اساس این استدلال، فدائیان به سهولت میتوانستند بر مبنای مشی خود، قضاوت وجهه گیری توده‌ها را نسبت به خویش دریابند و مشکل در این قضاوت کورسویی از اعتقاد و جانبداری ببینند.

پس از این سیر و اشاره، دوباره به شاه بیت کلام فدائیان بر میگردیم و در ارتباط با مشی وضع خود فدائیان آنرا مرور میکنیم:

فدائیان این جدائی را با حسرت و بدی‌شان تشدید و آفخته بسوسه‌ظن و حتی کینه کردند، راهیمائی‌های اعتراضی با شماره‌های تندو آتین علیه حکومتی که شکسته‌ترین «بسیج توده‌ای» را در پشت سر خود دارد، بر پا کردند، بنف روزنامه آیدگان و بهشتا نوعی دهن کجی به رهبری انقلاب، یعنی محور و هدف علاقی حق رشود مردم میلیونی، که گفته بود «من دیگر آیندگان را نمی‌خوانم»، با همکاری و شرکت لیبرال‌ها و یلگ دو جین ما توئیس میتینگ برای انداختن، تقریباً کلیه صفحات روزنامه از ارگان خود راه توخانه‌های برای ویران کردن ستون‌ها و پرچ و پاره‌های رژیم جدید، تبدیل کردند و از سر پای جامعه، فقط پرده‌های تاریک و هولناک در انتظار تصویر نمودند.

در حالیکه خود را در رابطه با جنگ بر سراد کشی کردستان اعلام کرده بودند «هر گونه درگیری مسلحانه در داخل ایران، مخالف منافع مردم ایران و رتتها بسوسه‌امپریالیسم، صهیونیسم و عوامل داخلی آن تمام میشود» (کار، شماره ۲۹) در عمل، بجای کوشش در جهت قطع این جنگ تحمیلی که هم خلق سندیه کرد و هم دیگر خلقهای ایران جزئیان از آن تصبیی نداشتند، خود به خونریزی پیوستند و بر برخی این فاجعه دوسویه افزودند، همانطور که در وقایع خونین کتیب، سیاست و موضعگیری آنها، بدگمانی مردم را بیشتر برانگیخت. خوب، وقتی فدائیان قبول دارند که توده‌ها «در مسائل با جان نیزی حاضرند، تحت همین رهبری با موانع بچکنند» (چرا در انتخابات...، ص ۱۰) چرا خود به ریل، در جنگی که بکطرفش، بیشک این «توده» خواهد بود، درگیر شده‌اند، به سینه مردم شلیک کرده‌اند و قضاوت بین خود و مردم را به گلوله و انهدام‌اند.

فدائیان مدعی‌اند، «در شرایط کنونی، ذهن توده‌ها آنتجان مغلوب او هام خرد بورژوازی است و خسرده بورژوازی آنتجان با استفاده از رهنمود و وعید و سنت و مذهب، توده‌ها را تسخیر کرده است که تنها در تاریخ کشور ما، بلکه در جهان هم نمونه آنرا کمتر می‌بینیم.»

فدائیان تصریح میکنند: «... (توده‌ها) میخوانند تا اعتراضات پایان گیرند و آرایش بر تراز شود. آنها گمان میکنند که این اعتراضات مانع میشود تا دولت هر چه زودتر بخواستهای آنها رسیدگی کند.» (چرا در انتخابات...، ص ۱۱۱)

و آنوقت خودشان بنام «خلق» با انواع مختلف ددرس، درگیری و مسأله ایجاد میکنند و گفته خود را فراموش میکنند که خلق مخالف این برخورد و تشنج فرساینده است و دشمنی با حاکمیت سیاسی، دوستی توده‌ها را تأمین نمیکند. (همان منبع، ص ۲۰) آنها علیرغم توده در جهت ستیز علنی با خواست او، بر فراندوم جمهوری اسلامی که باید بساط شاهنشاهی گرم خورده و متصرفان پدید و اصل کند، می‌تازند، شاق از اینکه هیچ انقلابی برای قانونیت خود فراندوم نمیکند. قانونی بودن رژیم که از انقلاب بر میآید، در قانونی بودن خود انقلاب است. اما اعتقاد و اعتراض فداییان باین فراندوم، تنها خصومت توده‌های عظیمی را، که اکثریت نزدیک با اتفاق خلق را تشکیل میدهند، بر میانگیزد و چنانکه دیدیم برانگیخت و از آن پس توده‌ها در کوچه و بازار، جدایی و خشمشان را از فدائیان، در این شمار ساده و مشرکونه فریاد میکنند، «هر کی که رای ندادی - حق نظر نده!»

اما در کمال حیرت مشاهده میکنیم که تا کنون فدائیان در تمام مسائل گریه و بغیر نیجهای سیاسی، نظیر مساله فراندوم، انتخابات مجلس موسسان، جنجال روزنامه آیندگان، فاجعه کردستان، تسخیر جاسوسخانه امریکا و مشتعل شدن نبرد ضد امپریالیستی و سرانجام همه پرسی قانون اساسی، یا با بورژوازی لیبرال‌های ناراضی که خرقة مذهب به تن دارند، یا تروتسکیست‌ها و یا انواع و اقسام ما توئیس‌های نقابدار و بی نقاب وطنی منطبق بوده است. آیا اینست معنی تاکتیکی بی نظیر در تاریخ کشور ما و کم نمونه در سطح جهانی؟

و فکر میکنید تصادفی است که هر بار فدائیان اعلامیه‌های بی‌مبانی و تظاهرات کردند، عده زیادی از خادریون بختیار و قانون اساسی سلطنتی،

انقلاب ایران باید به دهقانان بی زمین و کم زمین، آب، زمین و وسایل کشاورزی بدهد

در نخستین جلسه «کنفرانس مسایل اقتصادی در رابطه با بحران کنونی» که در ۱۶ آبان در محل «حسینیه ارشاد» تشکیل شد، مسایل مختلف اقتصادی، پولی و کشاورزی مورد بحث قرار گرفت. از جمله استاد رضا اصفهانی، معاون وزارت کشاورزی، درباره نوسازی کشاورزی در رابطه با مسئله ارضی چنین گفت:

«امیدواریم انقلاب جدید ایران، دولت و شورای انقلاب را چنان تحریک کند که هر چه سرریختن ارتباطات خود اهلای بزرگ ارضی را با عتساری که در نظام اداری وجود دارند، قطع کنند... طرح ضریبی برای حل مشکل کشاورزی عبارت است از تعیین حد زمین که بیش از آن نمی تواند در دست شخصی باشد، حتی اگر شخص بیش از آن مقدار آباد کرده باشد. در این مورد شورای انقلاب نباید بگذرد. باید زمینهای بیش از این مقدار را به کشاورزان بدهد. این کار چندان ساده نیست.»

۱- برگرداندن روستائیان که به علت نداشتن زمین به شهر آمده اند.
 ۲- با توجه به کمکی که دولت به روستائیان پس بر گرداندن آنها به زمین می کند، بالا بردن سطح تولید.
 استاد اصفهانی یک بار دیگر تأکید کرد: «اولین قدم در حل مسایل کشاورزی، تقسیم و توزیع زمینهاست. در این مورد ما قوانین اسلامی سریع داریم. اگر کسی هم ملک داشته باشد، این فرمان امام است که اگر نیازهای جامعه ایجاد کند، فقیه میتواند یک اصل مخالف اسلامی را صادر کند، چون سلاح جامعه است، و چون شرایط جامعه لازم میدانند، باید مالکیت محدود شود.»

حزب توده ایران پیشنهادهای خود را درباره مسئله ارضی در ارتباط با نوسازی کشاورزی و ضرورت واگذار کردن زمین و آب و وسایل کشاورزی و اعتبار مالی به دهقانان بی زمین و کم زمین بارها ارائه کرده است و اکنون نیز، در پی اعلام برنامه شورای انقلاب اسلامی ایران، آمادگی خود را برای همکاری در تحقق بخشیدن به این هدف بزرگ انقلاب ایران اعلام می کنیم.

اخبار دهقانی

نظری به روستای «فارغان» در کوهپایه اصفهان

کوهپایه، ۷۵ کیلومتری جنوب شرقی اصفهان قرار دارد. ۲۸ کیلومتری جنوب کوهپایه جاده خاکی و شن زاری است که به ده «فارغان» می رود. جمعیت ده ۱۱۰۰ نفر است. ۱۸۰۰۰ جریب زمین دارد که ۵۰۰۰ جریب آن زیر کشت است، که در آن محصولاتی از قبیل چغندر قند و گندم و جو و خربزه و هندوانه کشت میشود. سملاک در این ده هستند که ۴۰۰ نفر در «عیت» را زیر ستور استعمار خود قرار داده اند (حاج عبدالحمین سمسار، فضل اله مهریار و محمد مهریار) حداکثر حقوق که این مزدوران در حال حاضر میگیرند روزانه از ۱۲ ریال تا ۳۵ ریال است.

دهقانان پس از انقلاب خواستار مزید پیشتری شدند. به کمیته اصفهان هم شکایت کردند، که هنوز بجای نرسیده است. نمایندگان کمیته مستأفقا به جای حمایت از دهقانان، از ما لگان جانبداری میکنند. ما لگان که از پشتیبانی کمیته دلخور جرات یافته اند، حتی زمینهای را که قبلاً از انقلاب اجاره می داده اند، دیگر اجاره نمی دهند.

قبلاً از انقلاب، عبدالحمین سمسار سواد اسپ می شد و کشاورزان را که از زور خستگی نای نفس کشیدن نداشتند، بزرگ ضربات شلاق می افکند که بیشتر کار کنند. حتی یک نفر زیر شلاق جان سپرد. بعد از انقلاب هم همین ظالمان به استعمار خود ادامه می دهند.

مردم این ده از کوچکترین حقوق خویش محرومند. آب آشامیدنی ندارند. تنها یک حمام دارند. آنها خزینه های از بهداشت و پزشکی هیچ خبری نیست. اگر یکی از اهالی ده بیمار شود، باید او را به کوهپایه حمل کنند و حال آنکه دسراسر زمستان رفت و آمد به کوهپایه امکان ندارد.

در این ده، فقط یک دبستان است با سه کلاس و ۱۰ دانش آموز. این دانش آموزان، که از این مدرسه «فارغان» تحصیل می کنند، ناچار باید دست از درس خواندن بکشند. مگر آنهایی که پدرانشان بتوانند برای بچه ها پشان در کوهپایه مسکن بگیرند و آنها را برای تحصیل به آنجا بفرستند. این بچه ها گاه برای هیچ چیز ندارند. ظهیر که موقع ناهار میشود، غذای معمولی آنها نان خشک و خالی است و اگر ماست یا پنیری داشته باشند، آن روز را عید میگیرند... در این ده عبداله توکلی، دهقان ۳۵ ساله، روزی ۳۰ ریال مزد میگیرد. او دارای هفت فرزند است، که پنج نفر از آنها را نتوانسته به مدرسه بفرستد. یکی از فرزندان هم در کوهپایه درس میخواند. عبداله توکلی نمونای است از دهقانان گرسنه و تهی دست و تیره دوز «فارغان».

دو حلقه چاه آماده را در اختیار دهقانان کنلان بگذارید

پشت درمورد دو حلقه چاه با موتور آب آماده در زمینهای دهقانان کنلان فیروزکوه و بدون مصرف ماندن آن خبری داشتیم و خواستیم تا به خواست این دهقانان رسیدگی شود و دو حلقه چاه، که بدون استفاده مانده، به دهقانان این روستا واگذار گردد. لیکن هنوز که هنوز است هیچ اقدام مثبتی در این جهت صورت نگرفته است و این در حالی است که این روستائیان با کمبود آب برای کشاورزی و دامی خود وحشی برای آب آشامیدنی در ورور هستند. یک بار دیگر تأکید میکنیم که دولت باید این دو حلقه چاه را به دهقانان فراری در اختیار دهقانان این روستا بگذارد. تمل و کوتاهی در این باب موردی ندارد. آن هم در حالی که کشاورزی ایران باید هر چه سریعتر احیاء و دست انحصارات امپریالیستی از سر نوشت مردم ایران کوتاه شود. ما مسرانه خواهان اقدام مسئولین امر در این باره هستیم.

تقاضای روستائیان کاشخون

از روستای کاشخون فلاورجان در اصفهان خبر داده اند که روستائیان مجبور به کشت زمینهای اربابان که عبارت از، سر لشکر

سرطان سیار و عواقب عبرت انگیزش

در جرائد خواندید که محمدرضا بهمار است. مرض چیست؟ سرطان! سرطان! که امهها، خصوصاً تشنگی کوه نماند! همین العقول و الاطفال! از جمله اینکه، نامنظر گریبان همان را میگیرد.

محمدرضای مخلوع در مرکز یک مشغول اسپهواوی بود که ناگهان سرطانت گرفت و پسند همان، مجبور شد فوراً با آمریکا برود

خصوصیت دیگر این «سرطان» آنستکه آداب و تقویر ندارد و مرتب اینطرف و آنطرف میزود، یعنی سیار است. از لوزالمعدنه به کبسه سفر، از آنجا به هضم و لغوای واز آنچه که میبرد و دست آخر هم در گردن ظاهر میشود. آنهم با نماند یکمشت!

نظر کارشناسان و فحیر کارشناسان درباره این مرض نادر و لظهور آنستکه، اولاً همه وقت ظاهر نمیشود، چنانکه شاعر فرماید، مصراع، «گهی پیدا و دیگر که نهان است». ثانیاً هر کسی بان دچار نمیشود و در فهرست «امراض - الاذله» گفته شده که این مرض فقط پسراغ سلاطین مخلوع و فراری رود. خصوصیت دیگرش آنستکه آمد و نیامد دارد. بدشگون است. و هر گاه نفس این بیمار یکی بخورد که قصد مداوایش را داشته باشد، او را در سیاه خواهد کرد و پس نوشت جیمی کارتن، راکفلر، کمپنجر و امثالهم دچار خواهد ساخت. خلاصه آنکه جراحان سرانجام با این نتیجه رسیده اند که دنبال این «فقه» گشتن بی فایده است. نه باین دلیل که اینکار بمعنی دنبال «فقه و سیاه» گشتن است. خبر اینکه باین دلیل که خلق و خوی این «فقه» شبه «حقوق بشر» کارتر است! فرار

خوابکاری «تر بچه های پوک» در سقز



حاصل خوابکاری مائوئیست ها در سقز ساعت ۱۱ و شصت و پنج آذره مائوئیست ها به دکه روزنامه فروشی حزب توده ایران در سب راه مسجد جامع شهر حمله کردند، شیشه های آنرا شکستند، مقداری پول را که در دخیل بود به سرعت بردند و دکه را به آتش کشیدند. خوشبختانه چند نفر که از محل می گذشتند متوجه آتش سوزی شدند و آنرا خاموش کردند. بدنبال این خوابکاری «تر بچه های پوک»،

اخبار کارگری

بدهی شهرداری قائم شهر به کارگران

در شهرداری قائم شهر حدود ۳۰۰ نفر کارگر مشغول کار هستند اکثر این کارگران را در فترت تشکیل میدهند، که همیشه از ۴ تا ۱۱ صبح و در تابستان - ۵ بعد از ظهر مشغول کار هستند. اضافه حقوقی که از تغییر حداقل دستمزد بوجود آمده، به این کارگران نیز تعلق میگیرد، که تا به حال پرداخت نشده است. علاوه بر این، حقوق سمعاه کارگران نیز پرداخت نشده است. در یک ماه قبل، بملت اعتراض شدید، کارگران موفق شدند مبلغ چند هزار تومانی برای هر نفر از شهرداری دریافت کنند. باین همه هر کارگر حدود هشت هزار تومان از شهرداری طلبکار است. و چون مراجعه مکرر برای دریافت حقوق اثری نداشت، کارگران روز ۵۸/۸/۲۲ دست از کار کشیدند و در محل شهرداری جمع شدند و خواهان دریافت باقیمانده طلب خود از شهرداری شدند. (گویا بودجه شهرداری «قائم شهر» تمام شده است.) آنها همچنین خواهان تسویه ۱۵ نفر از کارمندان این اداره شدند. یکی از کارگران میگفت، ما سمعاه است حقوق نکرده ایم، باین گران خریدار ما از کجا برای خانه خود غذا تهیه کنیم؟ در دوران طاقتورت هم ازور میکنیم، ولی حالا چرا! همچنین در گذشته بملت کم بودن حقوق کارگران، هر کارگر مبلغ ۷۵۰ تومان بعنوان فوق العاده شغل پرداخت میشد، ولی شهرداری حالا میگوید، این مبلغ را یکجا از طلبی که داریم، کم میکنیم. یکی دیگر از کارگران میگفت، باینکه این پول را بدوستان فوق العاده شغل ما پرداخت کردند و ابلاغ آنرا هم داریم، در صورتی که کارگران شهرداری شهرهای اطراف ما این پول را بدوستان ما هم حاضریم این پول را، همانطور که گرفتیم، بطور عمده ما به پرداخت کنیم. یکی دیگر از کارگران میگفت، ما سابقاً ما ماهانه ۳۵ تومان پول شهر میدادند که حالا ۱۵ تومان از آن کم کرده اند. سابقاً اول بهادر و این یک قواره پارچه و ۳۰۰ تومان پول دوخت میدادند. که حالا میخواهند پول دوخت را کمتر بدهند. نماینده کارگران بعد از صحبت پارتیس شورا و شهرداری و

است و مرتب تغییر موضع میدهند. آنچه که پای مظلومان به پیش آید، در حجاب می رود و هنگام محاکمه جانبران بدافع از آنان فرغ و وفات می کند. نتیجه آن «فقه» و این «حقوق بشر» هر دو از یک سر شتابند و هر دو دست نهافتنی. از اینکه بکنند، داستان معروف «چکنیه» باز هم مطرح است، البته برای محمدرضای مخلوع و کارتن گانگستر پرورد. امروز فقه محمدرضا و امپریالیزم آمریکا به قصه راه و کلو مانند.

حکایت

آورده اند که ظالمی عمل مظلومی و همچون پخوری، مظلوم نفرین کرد. در دم چینه در دهان ظالم اندامی شد سترگ و هیچ طیب او را از گزند آن در دهان نینداندستی. چه اگر اگرد را بدوین راندی، حلقوم پدید می واکس و بیرون بکنیدی، دهان بشکافتی.

و اینکه اگر امپریالیزم آمریکا محمدرضا را نگاه دادند، یا براند و یا تحویل دهد، در حال روزگار شایه سیاه است. مصراع، چرا کارتن کنده کاری کورگ را نماندش کاری! مدارک بدست آمده از لایه جاسوسی آمریکا حکایت از آن دارد که ظهور این «سرطان سیاه» و سفر آن خدار، بزر سایه کارتن ناچار، همه از روی حساب و نقشه بوده است و لاجرم امروز خود کرد را تدبیر نیست.

این مثال بدان آورد تا بماندنی که، مردم ایران نه گریبان محمدرضا را رها خواهند کرد و نه امپریالیزم آمریکا را. این هر دو باید در دادگاه خلق محاکمه شوند.

خواست فوری رانندگان شرکت واحد

رانندگان شرکت واحد خواستار آزادی دبیر سندیکایشان هستند که نزدیک به دو ماه پیش توسط دادگاه انقلاب اسلامی تهران دستگیر شده است. رانندگان شرکت واحد برای آزادی دبیر سندیکای خود تاکنون چند طومار و نامه برای مقامات قضائی فرستاده و خواستار آزادی او شدند. اما هنوز او در زندان پس میبرد. رانندگان شرکت واحد در اجتماع خود در محل سندیکا به خبر نگار ما گفتند:

«علی رازانی در فروردین ماه امسال با رأی نمایندگان به عضویت در هیئت مدیره سندیکا انتخاب شد و این در سمت ریاست هیئت مدیره قرار گرفت. به خاطر فعالیت های که در سندیکا انجام داد، از جمله گرفتن رتبه های که در سال گذشته تصویب شده بود و همچنین فریاد دادن حقوق کارگران بر مبنای حداقل تعیین شده از طرف وزارت کار، موفقیت هایی بدست آورد و به علت همین فعالیت ها و موفقیتها بود که در شهریور ماه، با توافق اعضاء هیئت مدیره، به دبیری سندیکا انتخاب شد. اما اندکی پس از انتخاب ایشان به سمت جدید، در تاریخ ۵۸/۶/۲۹، توسط پاسداران مستقر در شرکت واحد در منزل خود دستگیر شد.»

رانندگان شرکت واحد اضافه میکنند، ما بارها به مقامات مشغول مراجعه کردیم تا علت دستگیری او را بدانیم. تقصیر ما چرا نشان داد که او به درخواست برادرش در و به اتهام تحریک کارگران دستگیر و زندان اوین تحویل داده شده است. خبر نگار ما در سندیکای رانندگان شرکت واحد با آنها در این باره گفتگو کرد. نایب رئیس هیئت مدیره، به خبر نگار ما گفت: «دستگیری علی رازانی بدین معنی بین کارگران بوجود آورده است. آنها میخواهند بدانند که چرا دبیر سندیکای آنها دستگیر شده و اگر خواهد و یا مدارکی از او در اختیار دارند، چرا کارگران را از آن مطلع نمی سازند و اگر مدارکی از او ندارند، چرا او باید در زندان بلا تکلیف باشد.»

حدادی، دبیر سابق سندیکا، که پس از دستگیری رازانی در همان سمت دبیری انجام وظیفه میکند، گفت: «الان خواست تمام رانندگان و اعضاء سندیکا آزادی رازانی است و ما می خواهیم که هر چه زودتر به پرونده او رسیدگی شود و کارگران را در چگونگی جریان امر قانع کند.»

راندنها، کمک دانندها و کارکنان شرکت میگویند، دما به دلیل همگامی و دستور امامت و تعصب و لیبکیم، ولی ما مسرانه خواهیم که به خواست هایمان رسیدگی شود.»

شهرداری شیرواز کارگران را اخراج میکند

شهرداری شیرواز اقدام به اخراج ۲۰ نفر از کارگران اسفالت ساز و اسفالت این شهرداری نموده است. دلیل شهرداری برای این اقدام از ۳۰ سال به بالا بودن این کارگران ذکر شده است. این کارگران که مدت ها در گرمای تابستان برای شهرداری، روزی ۵۰ تومان کار کرده اند و مقداری از حقوق آنها پرداخت نشده است اظهار می دارند که آیا کسی که سنش از ۳۰ سال گذشت، باید برود و بگریزد و اسفالت را بگذارد؟ این چه ضوابطی است که به این کارگران پرداخت می شود؟ این کارگران با مراجعه به استانداری خواهان اقدام فوری در جهت بازگرداندن مجدد آنها به سر کار و پرداخت حقوق پرداخت نشده خود بودند.

بحران یکاری و مشکلات کارگران اخراجی شهرداری تبریز

در شرایطی که بیماری مزمن یکاری گریبانگیر صدها هزار نفر از مردم زحمتکش ایران است، بعضی از مقامات مسئول در ادارات دولتی، بجای ایجاد کار برای یکاران، اقدام به اخراج کارگران میکنند و از این طریق به بحران یکاری دامن میزنند.

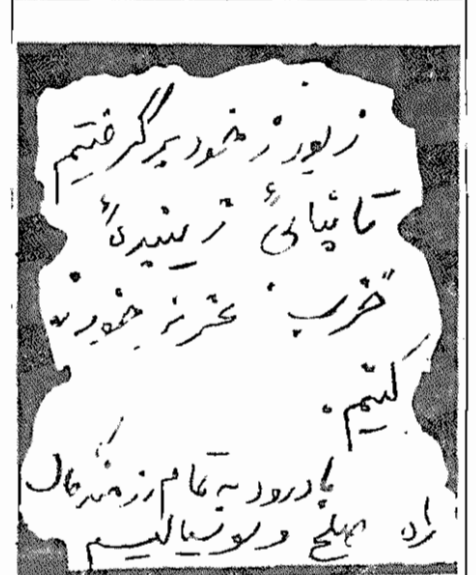
شهرداری تبریز، حدود دو ماه قبل، تعداد ۲۰ نفر از کارگران این اداره را، که حدود شش ماه سابقه کار داشتند، اخراج کرد. این کارگران بعد از روندگی و تسامح شدن از شهرداری، روز یکشنبه ۵۸/۸/۲۷ به اداره کار مراجعه کردند و خواستار رسیدگی به وضعیت شدند. اداره کار نیز، همانطوریکه اندکستگاه پرور کراسی حکام بر اکثر ادارات انتظار میرود، رسیدگی به کار آنان را به روز شنبه ۵۸/۹/۴ موکول کرد و کارگران تصمیم گرفتند که در این روز جمعه

کاخ پیداد را ز بنی کنیم خانه حزب را کنیم آباد

خانه حزب را بپاسازیم!

رفقای حزبی، هواداران،
دوستان حزب و هموطنان!

ما میخواهیم همراه شما و به کمک شما جشن چهلمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران را در خانه حزب برگزار کنیم. برای خریدن و پاساختن خانه حزب به کمک مالی شما نیازمندیم. با کمک خود در این جنبش همیستی و خلقی شرکت کنید.
کمک مالی خود را به نام رضا شلتوکی، شماره بانکی ۸۶۸، بانک تهران، شعبه ابرانشهر شمالی بپردازید.



دربودن خود پر گز گزیم تا نیای زینده حزب عزیز خود بپاکنیم. با درود به تمام رزمندگان راه صلح و سوسیالیسم.
نوشته فوق همراه کسبه کوچکی توسط خان ناشرانی بدین خانه حزب رسید. محتوی کسبه عبارت بود از:
یک انگشتر طلای فیروزه نشان
یک انگشتر طلای سفید الماس نشان
یک گردن بند طلای سفید الماس نشان
یک جفت گوشواره طلای فیروزه نشان
یک جفت گوشواره طلا

سرمشتی برای پاسخ گوئی به فراخوان حزب

فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران را برای ساختن خانه حزب در روزنامه مردم خوانند، از همان لحظه بفرکاندام که چگونه میتوان در این راه به حزب کمک کنیم. من با یک زن خانه دار ختم خود در آمدی تمام که بتوانم، آنطور که میخواهم کمک مالی به حزب بکنم. با خود این طرح را دارم که در خانه یک صندوق کمک مالی برای ساختن خانه حزب درست کنم و هر روز با صرف جوی از خرج خانه، مقداری در صندوق بریزم و آخر هر ماه صندوق را تحویل حزب دهم.
سیمانه از دیگر زنان هوادار حزبم میخوانم که در این راه کوشش لازم را بکنند. باشد که این خانه که از آن خودما و زحماتشان عزیز کشورمان خواهد بود، هر چه زودتر بنا شود. با اشتیاق فراوان از همین امروز شروع کنیم. به امید آن روز.

الف. دانش
توجه: (۱) پرداخت پول، با ذکر مشخصات فوق، به تمام شعبه‌های بانک تهران ممکن است. (۲) از کمک کنندگان خواهشمندیم فتوکپی فیش بانکی را به آدرس دبیرخانه کمیته مرکزی حزب، خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸ ارسال دارند.

MARDOM

West - Germany 0.80 DM
France 1.30 fr
Austria 3 sch.
England 20 P.
Belgium 10 fr.
Italy 350 L.
USA 50 Cts.

دردوران سلسله ملعون پهلوی، نوعی تعبیر افراطی و دخل از تاریخ ایران مرسوم شده بود و پایه این تعبیر آن بود که، گویند ایرانی از نژاد آریاست و دارای نبوغی است ویژه و تمدنش پیش از اسلام تمدنی بود در اوج خود و هجوم اعراب مسلمان این باغ فرح انگیز مدنیت را بشوینده و ایران ساخته است و اینک شاهان پهلوی میخواهند ایران را به عظمت دوران کوروش و داریوش بازگردانند!

محمدرضا پهلوی در يك صحنه آرائی دلگشا
کونه، در برابر قهرمتسوب به کوروش خنمانشی در دشت
مرفاب فارس گفت: «کوروش آسوده بخواب که ما
بیداریم»

این تعبیر ابلهانه و قلابی، که بویژه در نشریات
«ارتش شاهنشاهی» پخش میشد و برخی از روشنفکران
تزارگرا برای آن بنای علمی جستجو میکردند، نقض
واقعی تاریخی بود و امروز آن‌ها در ابراهای برجاست.
واقعی است که اتفاقاً تمدن ایران باستان
اوج شکوفایی خود پس از اسلام، در فاصله بین قرنها
سوم تا ششم هجری، دست مییابد و در این سده‌ها ایران
بدون شک مرکز فرهنگ عالم بود و بنابه تأیید عده‌ای
از کارشناسان معتبر، تمدن ایرانی در این سده‌ها (که
آنها نوزادی شرق نام نهاده‌اند) از جهت اهمیت خطیر
و دامنه نفوذ و تأثیر خود بر ابراست با تمدن باستانی
یونانی در عصر بریکسلی. و در این نیز تردید نیست که
فرهنگی ساختار حاد و آراشی سلطنت دین سالارانه
شاهنشاهان ساسانی را باید یکی از علل عمده این نوزادی
دانست.

این مطلب درستی است که انقلاب اسلامی موجب
مزج و اختلاط تمدنها شد و در مرکز، از بخارا تا
اندلس، این مزج و اختلاط «معارف اسلامی» را بوجود
آورد. «معارف اسلامی» نوعی تمدن معنوی جهانشمول
بود که بعد شگرفی قریب علمی، فلسفی، دینی و هنری
را با درود میساخت و در فضای این معارف، متفکران و
هنرمندان مادریک جوگشاده از «درجین» تا «اقصای
فرنگ» به آفرینشگری مشغول بودند.

این مطلب درستی است که تأثیر این معارف
اسلامی چنان اوجی بزبان و اندیشه ایرانی داد که آن
را میتوان جهش کیفی در قیاس با دوران ساسانی شمرد
در این معارف قرآن آن محور مرکزی بود که همه چیز
از فلسفه و کلام و فقه و اصول گرفته تا شعر و ادب و لغت
بدان باز می‌گشت و مدنیت امروزی ما از این ترکیب خود-

معارف اسلامی و فرهنگ ایرانی

باید از تعبیر احساسی و پانصب آمیز تاریخ بر حذر بود و واقعیات را در حدود مسلم و بی‌خدشه آن بیان داشت.

بوده فرهنگ کهن ایرانی و معارف جهان بیوند اسلامی
زائیده شده و انکار این دو منبع معالاست.
ولی اینک بی آن می‌رود که ما بخواهیم مقابلها
افراط عامیانه و تزارگرایانه متداول در دوران پهلوی-
ها، به آنسو بیافتم و نقشی را که ما ایرانیان قبل از
پیدایش اسلام در زبان و تمدن عرب داشته‌ایم و یاد رحمن
تضع و تکامل اسلام در این روند ایفاء نموده‌ایم، ناچیز
و خوار سازیم.

در زمان حجاج بن یوسف ثقفی، این مرد شقی و
عنصر ضد ایرانی، از یکی از اطرافیان خود نام قهقار
عربستان و منشاه آنها را می‌پرسد. معلوم میشود اکثر
آنها ایرانی یا از موالی ایرانی نژاد بوده‌اند. امری
که سخت حجاج را خشمناک میسازد.

خود محمد بن عبدالله پیامبر و بنیادگزار
اسلام، با توجه به معارف دوران خود و آنرا آنچه با توجه
به فرهنگ ایرانی، پیش توحیدی نوین را به جامعه ابلاغ
کرد و پس از آنکه شمه، بویژه توجه خاص به معارف
ایرانی داشته‌اند، که چیزی همتای معارف یونانی بود و
پس از این فرهنگ جای بزرگی داد تمدن آن روزی
جهان احراز می‌کرد.

پس از آنکه اسلام در ایران اشاعه یافت و بویژه

در روند تسخیر و کمال تشیع، بسیاری از سن ایرانی حتی
در متن عقاید شیعی نشست. چنانکه ما این داستان عشق و
شهادتی ایرانیان به علی بن ابیطالب و حسین بن علی
از سوزی و اسطوره‌های «مهر» و «سیاوش» در دوران پیش
از اسلام از سوزی دیگر، همانندیهائی شگرفی وجود دارد
و نیز به درستی، که امام خمینی در سخنان اخیر
(۱۳۵۸) آنها را رموزی از بقای شیعه و اسلام
در کشور شمردند، حتی از دورانهای پیش از اسلام مرسوم
بوده و ایرانیان آنها را در پر تو معتقدات اسلامی خود
احیاء کردند و در واقع هم به وسایل معنوی حفظ خود بدین
کردند. نقش ایرانیان در تکامل معارف اسلامی و اعتلاء
آن در همه زمینه‌های علمی و فلسفی و دینی و هنری و ادبی
نقشی است عظیم و ویژه و انباشته از فرهنگ کهن ایرانی
و همراه با آفرینشگریها و پاسازیها و نوآوریهای
ستایش آمیز، و علویانی که در ایران در شکل گیری دین
تشیع فعال بوده‌اند، خود سخت با این رنگ خاص
فرهنگ ایرانی آشنا و مانوس بوده‌اند و بدان مهر
می‌ورزیدند.

لذا خادمان فرهنگ و معارف اسلامی، که
بحق مایند جای درست این معارف را در تاریخ کشور
ما بیابند و احیاء کنند و آنرا از سفسطه آریاگرایانه
دوران نکت خیز پهلوی برهانند، از همان آغاز توجه
کنند که در قبال افراد، دچار تفریط نشوند و به تعبیه‌های
شتاب زده دست نزنند. مثلاً سخن از اینکه اسلام آردنه
یک فرهنگ دومی ماند «در شده» (رسنگاری) و «دنی»
(گمراهی)، «فجوره» (تباهی) و «ایمان» (درستگاری)،
«شکر» (سپاس) و «کفر» (ناپاس) است که در معارف
بصورت مقارنه و موازنه گلیو «م» «منازعه» و غیره منمنس
شده‌است، از نوع تصمیات شتاب زده است.

دو کاتکی نوروز طلعت، راه و گمراهی، در ادیان
کهن چینی، هندی، ایرانی و منطق یونانی و هندی
سابقه بسیار دارد و مقارنه و موازنه در معارف وسیع
و مرادف در ادب و مثال آن دارای بناهای دیگری است.
چنانکه گفته شد، خود زبان عربی از پارینه واژه‌های
بسیار از زبانهای ایرانی گرفته، که تعداد آنها در قرآن
که به میر آنرا به «عربی معین» (عربی آشکار و فهما)
عرضه داشته، بسیار است و خود قرآن از آئینده‌های که
در فرهنگ ایرانی آن دوران همانند داشته است، تهی
نیست. لذا توجه بجایه معارف اسلامی و احیاء مقام
آن ریاسکتوی به سفسطه‌های فاشیت ما پانسه دوران
پهلوی، مادا باید از کمبره باعیان و مقابله با واقعیات
دورنگاه دارد و الا مصحح روزگار، در فرصتی دیگر،
اغلاط تازه را اصلاح خواهد کرد. بگفته رودکی، شاعر
تیره چشم و روشن بین ما،

هو که نامخت از گذشت روزگار
هیچ نامورد ز هیچ آموزگار

دانش آموزان خواهان آموزش نظامی شدند

دانش آموزان شهرهای
مختلف کشور، روز گذشته با تمطیل
مدارس خود، در شهرها راه پیمایی
کردند و خواستار شروع آموزش
نظامی شدند.

کرمانشاه - روز گذشته گروه
کثیری از دانش آموزان
کرمانشاهی دست بر امپیمایی
آسوده در شهر زدند و با اجتماع
مقتل استانداری کرمانشاه،
خواستار آموزش نظامی در ساعات
در شب مدارس شدند.

آباد - در آبان ماه نیز گروهی
از دانش آموزان پس از تمطیل
مدارس، در خیابانهای آباد دست
به تظاهرات زدند و ضمن شعارهای
آمریکا را محکوم کردند. این
گروه با اجتماع در مقابل دفتر
کمیتهان اعلام کردند که منتظر
تحویل کسب سلاح برای جنگ
علیه آمریکا هستند.

یزد - هزاران نفر از طبقات
مختلف مردم و دانش آموزان یزد
طی راه پیمایی، حمله به مسجدالحرام
را محکوم کردند و دانش آموزان
خواستار آموزش نظامی شدند.

(کیهان، ۶ آذر)

استفاده‌های از قطعات و تجهیزات
کامپیوتری‌ها زائد موجود
بخوان لوازم بیدی.

بررسی امکانات کلیه
کشورهای تولید کنندس و وسائل
کامپیوتری بمنظور ایجاد تنوع
در منابع تأمین سیستم و لوازم
بیدی کامپیوتر.

تقویت امکانات استفاده و
تکاهداری از سخت افزار هارنم
افزاده‌های موجود از طریق جهت دادن
ببرنامه‌های آموزشی در رشته کامپیوتر
و کمک به موسسات آموزش عالی
فعال در این زمینه.

پیش روی قطع کلیه وابستگی-
ها به امپریالیسم جهانی.
(بامداد ۶ آذر)

انقلاب ایران و جنبش رهائی بخش عمان

پس از پیروزی انقلاب ایران، یک هیئت رسمی از طرف جبهه
آزادبخش خلق عمان به ریاست محمد احمد غسانی عضو کمیته اجرایی
و سخنگوی جبهه به ایران آمد. این هیئت در یادداشتی به امام خمینی
اوضاع جاری عمان و ظلم و ستمی را که ملت عمان تحت رژیم سلطان
قابوس تحمل میکنند، تشریح کردند. احمد غسانی طی مساحبه‌های
خود با مطبوعات ایران، مطالب تازه‌ای از موقیبت جبهه و نیز
انتظارات آن از انقلاب ایران را مطرح کرد.

متأسفانه هیئت مزبور با سردی مقامات دولتی ایران روبرو
گردید که البته از چنان دولتی‌چنین انتظاری نیز نمی‌رفت. اسفاً انگیز
آنکه شاهد سفر یک هیئت رسمی از جانب سلطان قابوس به ایران
بودیم و سپس باشکفتی در مطبوعات (اطلاعات ۲۱ خرداد ۵۸) از
قول سفیر عمان در ایران خوانندیم که پس از ملاقات مزبور، دولت
موقت انقلاب به عمان اطمینان داده است که از گروه چریکی
مارکسیست جبهه آزادبخش خلق عمان جانبداری نخواهد کرد!

سفیر عمان همچنین اظهار داشت که به مقامهای ایرانی اطمینان داده
است که هیچ نیروی خارجی در عمان مستقر نیست!!
با توجه به تحولات اخیر کشور که با ردیگری انقلاب در روند
ضد امپریالیستی خود پیش می‌رود، انشورای انقلاب انتظار داریم
که ضمن تجدید نظر در ریاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، توجه
لازم را نسبت به برقراری ارتباط با جنبش آزادبخش خلق عمان
مبذول دارد و ما نظرد که در متن قانون اساسی نیز تصریح گردیده،
انقلاب ایران بر اسی از تمام جنبشهای رهائی بخش خلسگسهای
مظلوم پشتیبانی نماید. و بالاخره به این گفته بدرطالقانی جامعه
عمل بهوشانیم و هر انقلابی را در هر نقطه‌ای جهان که علیه استبداد،
استعمار و استعمارهای خاسته، انقلابی اسلامی بدانیم به امید روزی
که بهمه راه دیگری خلقها منطقه، دست امپریالیستهای جهان بخوار
و رژیمهای دست نشاندہ آنان را از این بخش از جهان کوتاه کنیم.
(روزنامه انقلاب اسلامی، ۷ آذر)

قطع وابستگی صنعت کامپیوتر به خارج تقاضا شد

انبارش کهای فروشنده
کامپیوتر باید هر چه زودتر معادده
شود تا از خروج وسائل بیدکی
جلوگیری گردد.

هیئت اجرائی انجمن
انفورماتیک ایران طی اعلامیه‌ای
همبستگی خود را با مبارزات ضد
امپریالیستی مردم ایران اعلام
کرد. و خواهان اقداماتی در جهت
قطع وابستگی صنعت کامپیوتر به
کشورهای خارجی شد. متن این
اعلامیه از این قرار است:

انجمن انفورماتیک ایران
همگام با جنبش ضد امپریالیستی
ملت ایران، ضمن تأیید اقداماتی
که در جهت قطع وابستگی‌های
در زمینه تکنولوژی و کاربرد

در مطبوعات کشور

باید که نواقص آن در رابطه با
شرورتهای زمان اصلاح گردد.
این شرورتها در قوانین اساسی
تدوین شده در بعضی کشورهای
مترقی نیز میتوان دید که بعضی
مفاد قوانین اساسی اشان بارها و
بارها مورد نقد و بررسی و اصلاح
جدید قرار گرفته است و این امر
فریضه‌کن نیست.

و لذا ما بر آن باوریم که
تسویب قانون اساسی، نه پشاه
پایان کار آن بلکه از سوزی سر آغاز
نوینی است برای بکار گرفتن افکار
جامعه و ایجاد زمینه‌های مساعد
بر خورده خلاق اندیشه‌ها در جهت
تکمیل و تکامل هر چه بیشتر آن.
بنظر ما این امر، در صورت
شرورتهای در شکل اصلاح بعضی
اصول آن امکان پذیر است و هم در
شکل تدوین قوانین نو بصورت
متنم قانون اساسی.

(روزنامه انقلاب اسلامی، ۷ آذر)

قانون اساسی پایان کار نیست، سر آغاز نوینی است

ما بارها در جریان تدوین
قانون اساسی وجهی پس از آن با
درج مساحبه‌های و مقالات و اظهار
نظرات گوناگون، تلاش کرده و
خواهیم کرد، تا محتوی این قانون
از دیدگاههای مختلف در معرض
افکار عمومی قرار گرفته و با
بهر گیری از افکار صاحب نظران،
در رفع نواقص آن کوشیده شود.
زیرا منتقدیم همچنانکه تمامی
پدیده‌های هستی در معرض یک
تغییر و تحول دائمی قرار دارند،
قانون اساسی نیز که دستاورد
اندیشه آدمی در یک مرحله مشخص
از تاریخ حیات اجتماعی انسان
است، نمیتواند مطلق بوده و پایستی
همراه با رشد اندیشه و تفکر آدمی،
تحول و تکامل یابد.

قانون اساسی تدوین شده،
با وجود بعضی ضعفهای میتواند
بمطابق سکوئی جهت پیش‌های بعدی
انقلاب، مورد بهره گیری قرار
گیرد و مسلم است که در مسیر
حرکت‌های بعدی و در جریان
تلاش و پیشوهای انقلابی نسل
حاضر و نسلهای آینده، میتواند و

ایالات متحده آمریکا پرورشگاه تبهکاران!

صهیونیستها با اعضای و کلوکسی کلان، نازی‌ها و دارودسته
بیرج تقطه نظرهای مشترکی دارند. جنایتکاران مسلح این پانسد
تروریستی مورد احترام مقامات پلیس و حاکم ایالات متحده‌اند.
اعضای جنایتکار پانصد صهیونیست‌ها همواره از یکدیگر دعای قانونی معون
می‌مانند. فعالیت قانونی سازمانهای راست افراطی در ایالات متحده
و تبلیغات وسیع ایدئولوژی نژادپرستانه، فاشیستی و ضد کمونیستی
به وضوح دیده از دموکراسی که برین نوع آمریکایی برمی‌گردد. ایالات
متحده امروز نیز مانند روزگوشور پاسدار متناقض سرمایه‌انحصار-
طلب و ارتجاع شوم است.

بنا بر این جنایتکاران بین المللی به آغوش انصار طبلیان
فارتگر آمریکا هیچ تمجیبی بر نمی‌انگیزد. وان تیوها، نازی‌ها،
محمدرضای خائن و صدها جنایتکار دیگر چه جایسی بهتر از آمریکا
برایشان وجود دارد. در این جا باید به سخنان مایک والن یکی از
رهبران سازمان فاشیستی آمریکا در تئوسوف این دژ جنایتکاران
افزود. آمریکا و این امپد ترا پرستان، جنایتکاران، صهیونیستها
و دیگر مرتجعین داخلی و خارجی و دژ تسولطه علیه بشریت آزاد و
ترقیخواه است.
(روزنامه اتحاد مردم، ۱۲ آذر)

به يك تير ۳ نشان

تبلیغات ضد کمونیستی ضد انقلاب، به ثمر نخواهد رسید

اگر بتوان سمت اصلی مبارزه انقلابی مردم ایران را از هدف اصلی - امپریالیسم، بر سرکردگی امپریالیسم آمریکا - منحرف ساخت، مراد ضدانقلاب حاصل است. چگونه؟ از طریق تراشیدن دشمنی، موهوم، اگر بتوان این دشمن موهوم را «کمونیسم» معرفی کرد، وضماً انکشت بسوی شوروی دراز کرد، ضدانقلاب با يك تیره نشان زده است: هم نیروی انقلاب ایران را از سمت اصلی مبارزه منحرف ساخته، هم انقلاب ایران را از متحد طبیعی خود جدا کرده و هم «کمونیسم» را بدنام کرده است. پس فعالیت ضد انقلابی و تبلیغات ضد انقلابی در ایران، از نظر طراحان مقیم کاخ سفید، باید بنام «کمونیسم» ضمن اشاره به شوروی انجام گیرد. این «استراتژی» عمل و تبلیغ ضد انقلابی را گروهها و گروهکهای پرشماری، از سازماندهندگان ساواکهای متشکل گرفته تا مائونیستها، آثارشستها و تروتسکیستها دارند «پایه میکنند»، یعنی تلاش دارند که «پایه کنند»:

اینجا (در برابر جاسوسخانه آمریکا)، چند نفر به معنائی مذهبی مردم اهانت میکنند و خود را «کمونیست» معرفی میکنند. پس از پرسوچو معلوم میشود «ساواکی» هستند. آنها، برگی در دهن مردم پخش می‌شود در مخالفت با اتحاد نیروها، بنام «کمونیسم».

جای دیگر، با قانون اساسی و دادن رای مثبت بدان مخالفت می‌شود، باز بنام «کمونیسم».

باز هم جای دیگر، رهبر انقلاب، امام خمینی، مورد حمله قرار می‌گیرد، باز بنام «کمونیسم».

«حزب سوسیالیست کارگران ایران» - گروهی تروتسکیستی، که بنام «کمونیسم» (آنهم نوع «خالص» آن) دستوپا می‌زنند، اعلام داشته است که «شمار دشمن اصلی آمریکا است، شادانترانی و خرده بورژوازی است»!

دختر و پسران از برای این «حزب» نمایان است؛ ما نمی‌تواند. «کمونیستهای» ضد کمونیسم انجام وظیفه می‌کنند.

آیا زمینه برای انجام این وظیفه ضد انقلابی در اقله عمومی وجود دارد؟ متأسفانه اتحاد شوروی آری، این زمینه را تبلیغات ضد کمونیستی، که حکومت دست نشانده پهلوی (پدر دوسر) طی بیش از نیم قرن شبانه روز بخورد مردم داد، اثر خود را هنوز باقی گذاشته است. «کمونیسم»، طبق توضیح این تبلیغات، جاسور و وحشتناکی است. صاحبان عقاید مذهبی را نابود می‌کند، زنا را آشتی می‌کند، بچه را از مادرش می‌گیرد. زبان مخالف را از قفا در می‌آورد. اما سرمایه‌داری استثمارگر، سرچشمه فیاض نعمت است، «تمدن بزرگ» به ارمغان می‌آورد!

ضد انقلاب چشم امید بازمانده آثار این تبلیغات ضد کمونیستی امپریالیسم جهان بخورد و در این امید عمل و تبلیغ ضد انقلابی خود را بنام «کمونیسم» انجام میدهد.

موفق خواهند شد، نه، نخواهند شد. سیل خروشان انقلاب کوخ نشینان میلیونی ایران در مسیر «خط امام» پیادگان دشمن اصلی - امپریالیسم، بر سرکردگی امپریالیسم آمریکا را از بین خواهند بردند؛ آری، خواهند شدند. توده‌های میلیونی در جریان نبرد راهپیمایی ضد امپریالیستی، دوست و متحد طبیعی خود را در جبهه کمونیسم‌زدایی خواهند یافت؛ آری خواهند یافت.

تیر زهر آگین ضد انقلاب و کمونیستهای ضد کمونیسم بهیچ‌یک از سه هدف مسورد نظر اصابت نخواهد کرد. این جبر انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران است.

کمک مالی به حزب توده ایران يك وظیفه انقلابی است

هموطنان! رفقا و دوستان!

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، پس از سی سال مبارزه در شرایط دشوار مخفی، فعالیت علنی و قانونی خود را آغاز کرده است. لازم به تأکید نیست که اکنون وظایف سنگینی در مبارزه با خطر تحکیم دستاوردهای انقلاب و نوسازی جامعه ما، در برابر حزب قرار دارد. انجام این وظایف از جمله بقدرت مالی وابسته است. لذا کمک مالی به حزب توده ایران يك وظیفه انقلابی است. فداکاری‌های اعضاء، هواداران و دوستان حزب در این زمینه در گذشته غرور انگیز است. اکنون نیز ما مطمئن داریم که اعضاء، هواداران و دوستان همه کسانی که به پیروزی نهایی و قطعی انقلاب ایران صادقانه علاقمندند، به حزب طبقه کارگر ایران یاری خواهند رساند.

کمک مالی را می‌توان مستقیماً به دفتر حزب داد و یا با تلفن‌های ۹۳۳۴۵۹، ۹۳۵۷۳۸ - آمادگی خود را اعلام داشت. از طرف دفتر حزب ترتیب دریافت کمک داده خواهد شد. علاوه بر این، علاقمندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام قتی کمیته و به شماره ۳۳۴۳، شعبه ۴۸ بانک ملی ایران، (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین ظاهری (ایران نوین سابق) بپردازند.



پوستری که بمناسبت جشن عظیم ضد امپریالیستی و ضد امریکایی مردم ایران از جانب حزب توده ایران چاپ و پخش شده است

انحراف از «خط امام»، از جانب هر کس باشد، انحراف است

این انحراف اگر از جانب فرد مسئولی چون آقای چمران باشد، مسئولیت دارد

ابتدا گفته‌های آقای چمران را به نقل از روزنامه «بامداد» (شماره ۱۰ آذر) می‌آوریم تا طبق روش اصولی خود سخن مستند گفته باشیم.

عین جمله چنین است: «اینک همان تبلیغات (که در آن زمان حضرت حسین را خارجی و پیدین قاصد امام میکرد) و با توجه به وسعت دستگاه‌های این زمان، علیه جمهوری اسلامی ایران و وارونه جلوه دادن آن بکار می‌رود. شوروی و آمریکا هشتاد درصد برنامه‌های خود را بر روی تبلیغات استوار کرده‌اند. در داخل کشور خودمان از دو سیمت روزنامه و مجله یکصد و هشتاد مجله و روزنامه چینی است».

اگر این گفته متعلق به فردی غیر مسئول باشد، ما پندار نمی‌داریم و با اشاره‌ای از کنار آن می‌گذشیم. ولی آقای چمران مقام مسئولی است و سخنش باید سنجیده، بی‌انگیزه و حقیقت‌مویید «خط امام» باشد. پیش بسپینده تمام نیروها علیه «دشمن اصلی»، علیه شیطان بزرگ» باشد، که «تمام گرفتاریهای ما از اوست»، و بنا بر این بناچار باید بر روی گفته‌های ایشان مکتب کرد.

گفته‌های آقای چمران، گرچه از لحاظ ساخت جملات، ظاهر آ میهم است، ولی در واقع معنای آن روشن است. آقای چمران مدعی است که آمریکا و شوروی هر دو به یکسان دستگاه تبلیغاتی خود را به شدت علیه جمهوری اسلامی ایران بکار انداخته‌اند، با این تفاوت که آمریکا در ایران روزنامه و مجله ندارد. در حالیکه در داخل کشور از دو سیمت روزنامه و مجله، یکصد و هشتاد مجله و روزنامه چینی است.

آقای چمران میدانند - و بعنوان يك مقام رسمی نمیتوانند ندانند - که این روزنامه‌ها و مجلات «چینی» بر شمار، که فهرست بسیار ناضی از سازمان‌های آنها را زیر عنوان «تربچه‌های بولگ» در شماره ۱۰۲ روزنامه مردم ارائه داده‌ایم و همواره مانند قارچ در زیر باران «مائونیسم»، «تروتسکیسم» و «آنتارشیسم» ... می‌رویند، از راست‌هم راست‌ترند، زیرا کار اصلی آنها تبلیغ بر ضد شوروی، هدف قرارداد شوروی بجای آمریکا و از این طریق در «پناه گرفتن» امپریالیسم آمریکاست.

آقای چمران میدانند - و بعنوان يك مقام رسمی نمیتوانند

ندانند که تبلیغات این «چینی‌های» ضد شوروی را چه دستگاه تبلیغاتی شوروی قلمداد کرد، و او نه جلوه دادن حقایق است و کمکی است بهمان «چینی‌های» بدتر از راست. برای انحراف خشم انقلابی مردم از آمریکا بسوی شوروی.

آقای چمران میدانند و بعنوان يك مقام رسمی نمی‌توانند ندانند که نه فقط دستگاه تبلیغاتی، بلکه مقامات رسمی اتحاد شوروی با یکگیری از انقلاب استقلال طلبانه و ضد امپریالیستی مردم ایران پشتیبانی کرده‌اند و پشتیبانی میکنند، آنهم نه بخاطر خوبانندگی و در مقابل صلاحیت دیپلماتیک، بلکه بخاطر اینکه اتحاد شوروی دوست صدیق خلق ما و تمام خلفه‌های جهان است و این دوستی ناشی از سرشت نظام اقتصادی - اجتماعی است. همچنان که آمریکا دشمن اصلی رعدار خلق ما و تمام خلفه‌های جهان است و این دشمنی ناشی از سرشت استثمارگر، غارتگر و جهان‌نورد نظام اقتصادی - اجتماعی سرمایه‌داری امپریالیستی است.

در هر حال، به نظر ما هر کسی حق دارد با نظام سوسیالیستی، با ایدئولوژی کمونیستی مخالف باشد، ولی هیچکس حق ندارد وقایع را تحریف کند، حقایق را وارونه جلوه دهد و یا خاک در چشم مردم باشد. بویژه اگر این فرد مقام مسئولی باشد.

در شرایط کنونی که انقلاب ایران با غول امپریالیسم، بر سرکردگی امپریالیسم آمریکا درگیر نبرد سرسخت‌ماند، هیچکس حق ندارد، هدف دیگری را جز آمریکای جنایتکار برای مبارزه عنوان کند، بویژه اگر در مقام مسئولی قرار گرفته باشد. این عمل، قطع نظر از انگیزه‌ها، عامل، عوارض و انگیزه‌های است در جهت انحراف چشم انقلابی و ضد امپریالیستی خلق ما از مسیر اصلی نبرد - نبرد بر ضد دشمن اصلی، دشمن غدار، که امپریالیسم آمریکاست.

آقای چمران طر سخنرانی خود، شاید ناخودآگاه، ولی در هر حال متأسفانه از «خط امام» منحرف شده، و در این انحراف اتفاقاً درست در صنف همان «چینی‌هایی» قرار گرفته، که با اشاره به شوروی بعنوان دشمن، بی‌جهت می‌کشند آمریکا را از زیر ضربه اصلی کنار کنند.

آقای چمران، تا زمانی که در مقام مسئولی فرادارند، بهتر است از این لغزش‌ها پرهیز کنند.



فعالیت ضد انقلاب در خارج از کشور

هفته‌نامه «المستقبل» که بزبان عربی در پاریس منتشر میشود در آخرین شماره خود می‌نویسد، «عده‌ای از شخصیت‌های ایرانی که بدنال سرتکونی رژیم شاه به خارج از ایران پناهنده شده‌اند، شورائی بنام «شورای آزادیبخش ایران» تشکیل داده‌اند. این شورا با طر فدادان رژیم شاه مخلوع در ایران تماسهایی برقرار کرده و آنها را برای فعالیت علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران بسیج نموده و سازمان میدهد.

افزایش تحریکات نظامی آمریکا در منطقه اقیانوس هند

روزنامه پر اودا شن منعمک کردن نگرانی کشورهای منطقه اقیانوس هند از افزایش تحریکات نظامی آمریکا نوشت که وزارت جنگ آمریکا، با استفاده از رویدادهای ایران، طرح‌ها و توطئه‌های امپریالیستی خود را برای نظامی کردن اقیانوس هند اجرا میکند و این اقدامها خطری جدی برای حاکمیت کشورهای منطقه است. پر اودا اضافه کرد که مطبوعات امپریالیستی با حرارت فراوان درباره احتمال بمباران ایران و اشغال پایگاههای هوایی و دریایی آن سخن می‌گویند و امپریالیسم آمریکا منطقه وسیعی از پاکستان تا ترکیه را منطقه استراتژیک خود میدانند. پر اودا نوشت که کشورهای منطقه اقیانوس هند میخواهند این اقیانوس منطقه صلح باشد.

فانشیستهای شیلی به سر کوب میهن پرستان ادامه میدهند

دادوستد فاشیستی حاکم بر شیلی کماکان به نقض فاحش حقوق بشر در این کشور ادامه میدهد. در گزارش کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در ژنو، به موارد متعدد شکنجه و سرکوب میهن پرستان در شیلی استناد شده و از سازمان ملل خواسته شده است که هر چه زودتر در این مورد اقدام کند. دوهزار و پانصد تن از مبارزان شیلی در پی کودتای سال ۱۹۷۳، که به دستور مستقیم امپریالیسم آمریکا صورت گرفت، ناپدید شده‌اند.

حزب کمونیست لبنان از مبارزه خلق ایران علیه امپریالیسم آمریکا حمایت میکند.

حمایت احزاب کمونیست از مبارزه خلق ایران علیه امپریالیسم آمریکا ادامه دارد. حزب کمونیست لبنان اعلام کرد که مبارزه مردم ایران علیه امپریالیسم آمریکا مبارزه‌ای عادلانه و بی‌حاشی است. این حزب از همه نیروهای ترقیخواه منطقه خواست که از مبارزه خلق ایران حمایت کنند.

پیام همبستگی لئونید بوزنوف به یاسر عرفات

لئونید بوزنوف، رهبر شوروی، بمناسبت روز همبستگی با خلق فلسطین، پیامی برای یاسر عرفات ارسال داشت و در این پیام از نقش عرفات بعنوان پیشگام مبارزه برای حقوق فلسطینی‌ها ستایش کرد. بوزنوف در پیام خود اعلام کرد که بشریت ترقیخواه یکبار دیگر همبستگی خود را با مبارزه خلق فلسطین برای استیفای حقوق عادلانه خود تأکید میکند. بوزنوف حمایت قاطعانه اتحاد شوروی را از مبارزه فلسطینی‌ها علیه امپریالیسم، سیهونیسم و ارتجاع عرب مورد تأکید قرار داد. دیگر رهبران کشورهای سوسیالیستی نیز پیام‌های مشابهی برای عرفات ارسال داشته و در این پیام‌ها از مبارزه خلق فلسطین حمایت کرده‌اند.

ایرانیان مقیم اتحاد شوروی رأی «آری» دادند

دانشجویان و ایرانیان مقیم اتحاد شوروی، که از سراسر کشور به شهرهای مسکو، لنینگراد و باکو آمده بودند، در روزهای یکشنبه و دوشنبه این هفته، در سفارت جمهوری اسلامی ایران در مسکو و سرکنسولگریهای ایران در باکو و لنینگراد حاضر شدند و رأی خود را به صندوق‌های اخذ رأی ریختند.

رأی دهندگان، این اقدام را گام دیگری در جهت تثبیت انقلاب پیروزنده ایران تلقی کرده‌مسوا خواستار آن بودند که مراتب احصاءات بر شود آنان برای ملت ایران بازگو گردد.

دکتر محمد مکرری، سفیر جمهوری اسلامی ایران در مسکو، و دیگر اعضاء سفارت نیز همراه با خانواده‌هایشان صبح روز شنبه آراء خود را به صندوق ریختند. عده کثیری از ایرانیان مقیم اتحاد شوروی نیز که فاقد شناسنامه و گذرنامه یا اوراق معتبر دیگر بودند، در صندوق مجزائی رأی دادند.

آیا راست است:

که سخن از عوامل ساواک در دزفول، که چندی پیش حکم اعدامشان صادر شد، به علت فواید عناصر مشکوکی در کمیته‌ها و دادگاه انقلاب اسلامی دزفول میخواهند بی ترتیب مستحقاتی آنان را تیر نگه کنند؟

که دو نفر از محکومین به اعدام میالغ جنگی به کسانی در دادگاه کمیته‌ها رشوه برداخته‌اند؟ که برخی مسئولان دادگاه انقلاب اسلامی دزفول خانوادگی معتمدین را تحریک به اعتراض و تبلیغ علیه احکام دادگاه میکنند؟ مثلاً پس از اعدام سید کاظم اشرفی - زاده، خود داستان دزفول استفا داد و در روزنامه‌ها مقاله نوشت که کمیته‌ها خود سه‌گانه‌کرامت میکنند؟ که در دبیرستان شاهه هدف برخی از معلمان هنوز بسود رضا - خان و پسرش محمد رضا تبلیغ میکنند؟ ضمناً با دشنامهای زشت پاداش آموزان برخورد میکنند حتی آنان را کتک می‌زنند؟ که آقای نسیز در دوران مدیریت شرکت نفت، بدون هیچ دلیل خاصی، مالتی به کارمندان شرکت پاداش داده مبلغ پاداش با میزان حقوق تناسب مستقیم داشته، یعنی هر چه حقوق کلانتری بیشتر بود، مبلغ بیشتری دریافت کرده و برخی مدیران عالی‌رتبه تا ۱۰ هزار تومان نصیب بزرگمانند؟